

دانش زبانی

نکته

به این جمله‌ها توجه نمایید و درباره آنها گفت‌وگو کنید.

– علی ^{نهاد} کفش‌های ^{مفعول} جدیدش ^{فعل} را پوشید.

– ^{نهاد} کشاورزان گندم ^{مفعول} کاشتند. ^{فعل}

– ^{نهاد} شاگردان خوشحال شدند. ^{فعل اسنادی}

– ^{نهاد} هوا سرد است. ^{فعل اسنادی}

– ^{نهاد} مریم معلم مدرسه بود ^{فعل اسنادی}



دانش زبانی



چنان که می بینید فعل جملهٔ اوّل و دوم انجام کاری را نشان می دهند (کار پوشیدن و کاشتن)، اما فعل های جمله های سوم، چهارم و پنجم وقوع کاری را نشان نمی دهند بلکه تنها برای نسبت دادن چیزی به چیز دیگر به کار می روند. مثلاً در جملهٔ سوم «خوشحالی» به شاگردان و در جمله چهارم «سردی» به هوا نسبت داده شده است.

← به فعل هایی مانند «شد»، «است» و «بود» که برای نسبت دادن چیزی به چیزی به کار می روند، فعل «اسنادی» می گویند.

- ← - هنگام نوشتن فعل های ماضی سوم شخص جمع، مراقب باشیم که آنها را به شکل صحیح نوشتاری بنویسیم، مانند : «خوردند» به جای «خوردن».
- ← - کلماتی مانند عیسی، موسی، مصطفی و ... باید به همین شکل نوشته شوند؛ هرچند تلفظ آنها متفاوت با شکل نوشتاری آنهاست.

فعل اسنادی

به فعل هایی مانند (است ، هست ، نیست ، بود ، شد ، گشت ، گردید) که برای نسبت دادن چیزی به چیز دیگری به کار می روند فعل اسنادی می گویند.

مثال

۱) کلاس تمیز است . فعل اسنادی

۲) دوستانم خندان بودند . فعل اسنادی

۳) زهرا خوشحال شد . فعل اسنادی

۴) هوا سرد گشت . فعل اسنادی

نکته ی اول: فعل های ((است ، بود شد ، گشت و)) در حالت جمع، نیز فعل اسنادی هستند مانند ((هستید ، بودیم ، شدید ، گشتیم

نکته ی دوم: فعل های ((است ، بود ، شد ، نیست)) هر گاه معنای وجود داشتن بدهند فعل اسنادی نیستند

مانند: کتاب روی میز هست .

- در این جمله فعل (هست) به معنای وجود دارد و فعل اسنادی نیست

نکته ی سوم : فعل های ((گشت و گردید)) هر گاه به معنای
(چرخیدن) باشند فعل اسنادی نیستند

مانند:

۱- زمین به دور خورشید گشت . (گشت به معنای چرخید و فعل اسنادی نیست)

۲) مسافر دور خود گشت . (گشت به معنای چرخید و فعل اسنادی نیست)

۳) هوا ابری گشت . (فعل اسنادی است)

نوشتن

- ۱- سه جمله از متن درس بنویسید که در آنها فعل «اسنادی» به کار رفته باشد.
- ۱- وقت طلاست (۲) وقت از طلا گران‌تر است (۳) چرا زندگی مردمش کوتاه است
- ۲- ده واژه از متن درس بنویسید که ارزش املائی داشته باشند.
- ۳- در هر جمله یک غلط املائی وجود دارد؛ آنها را پیدا کنید و به شکل درست بنویسید.
- اسکندر سنگ مزارها را خواند و به هیرت فرورفت.
- مدت حیات صاحبان قبور از ده سال تجاوز نمی‌کرد.
- مجتبی در درس‌هایش بسیار پیشرفت کرده است.

شاد و قندریست باشید
چهارراهی





درس نهم فارسی
موضوع: نصیحت امام (ره)

پایه: هفتم
متوسطه می دوره ی اول
تهیه کننده: زهرا چهارراهی
دیرستان: ۱۵ خرداد
استان: تهران
منطقه: ۴ تهران

افار رسیده و ترک خورده

نارِ خندان، باغ را خندان کند

جوانمردان متمم صحبت مردانت از مردان کند ۲ جمله

مسند

نهاد مفعول

آرایه ی بیت : تشخیص (نارخندان، باغ را خندان کند)

معنی بیت : همانطور که افار رسیده، باغ را شاد می کند، هم صحبتی با انسان های نیک هم موجب نیک شدن تو و در زمره انسان های خوب قرار گرفتنت می شود .

مثنوی معنوی، مولوی

مثنوی معنوی، مولوی

مولانا جلال الدین محمد بلخی از شاعران و
عارفان بزرگ ایران است کتاب عظیم
((مثنوی و معنوی)) با ۲۶۰۰۰ بیت که گنجینه
ای از معارف اسلامی است معروف ترین اثر
اوست .

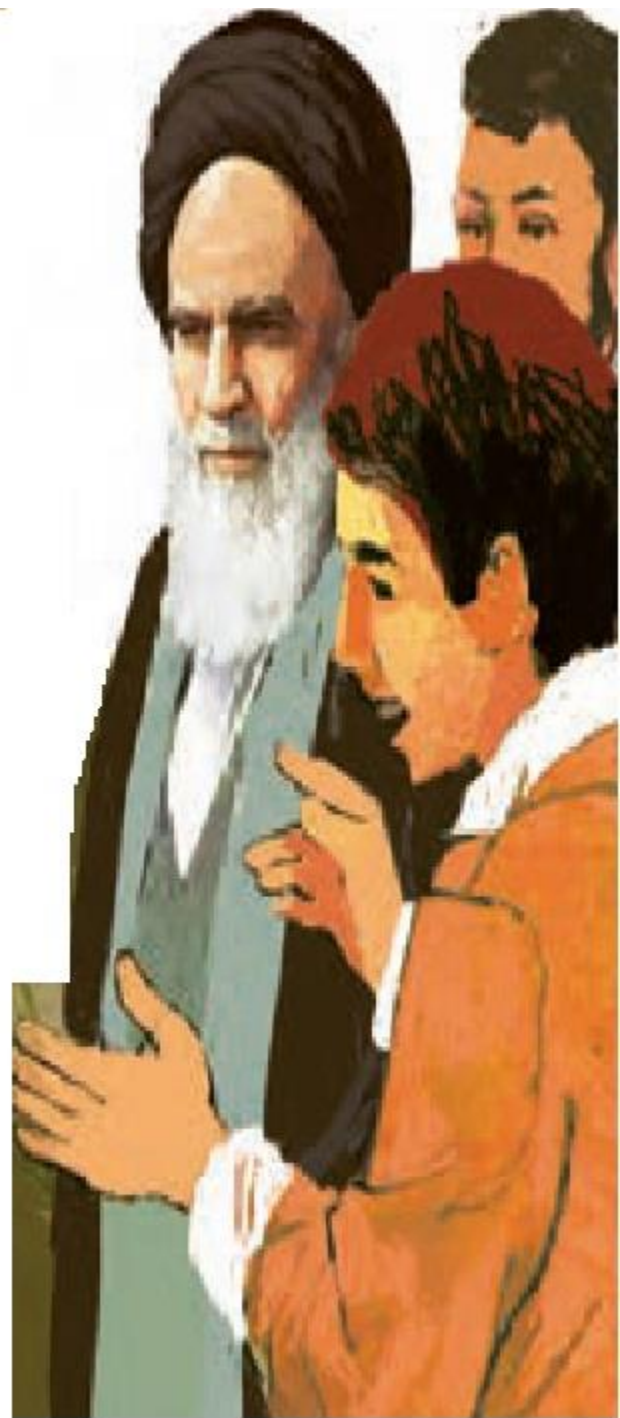
موضوع و محتوای درس:

- آشنایی بیشتر با مشایخ و بزرگان دینی

- آشنایی با جایگاه امام خمینی (ره)

- تشویق به کسب علم و دانش و تلاش در کسب رضایت پدر و مادر

، احترام به معلم و....



درس نهم

پند و اندرز

رهبر، پیشوا

نصیحت امام (ره)

حرف اضافه

متمم

مفعول

حرف اضافه

متمم

نهاد

دانش آموزان یک مدرسه دخترانه برای امام خمینی (ره) نامه می نویسند. آنها در نامه شان

حرف اضافه متمم

به کتاب درسی خود اشاره می کنند که در آن نوشته شده است، امام محمد تقی، علیه السلام،

فدا و منادا

نهاد

متمم

متمم

نامه ای نصیحت آمیز به یکی از یاران خود نوشته است. دانش آموزان می نویسند: «ولی ااما، ما شما

نهاد

متمم

را نمی توانیم نصیحت کنیم، زیرا شما بزرگوارید و از همه گناهان به دورید. شما آن امام بت شکنی

هستید که مدت چهل سال است نمازهای شبستان ترک شده». کسی که با ظلم مبارزه می کند

نهاد

متمم

امام خمینی در پاسخ نامه دانش آموزان که خواسته بودند آنها را نصیحت کنند، نوشتند:



به نام او که بلند مرتبه است

باسمه تعالی

منادا

مفعول

خواندن

نهاد

مفعول

«فرزندان عزیزم/ نامه محبت آمیز شما را قرائت کردم/ کاش/ شما عزیزان مرا نصیحت

نیازمند آن هستم

شادی

می کردید/ که محتاج آنم/ امید است/ با نشاط و خرمی درس هایتان را خوب بخوانید/ و در همان

حال، به وظایف اسلامی که انسان ها را می سازد، عمل کنید/ و اخلاق خود را نیکو کنید/ و اطاعت و

قدر دانستن

خدمت پدران و مادرانتان را غنیمت شمارید/ و آنها را از خود راضی کنید/ و به معلم هایتان احترام

بلند مرتبه

زیاد بگذارید./ سعی کنید/ برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشورتان مفید باشید/ از خداوند، تعالی،

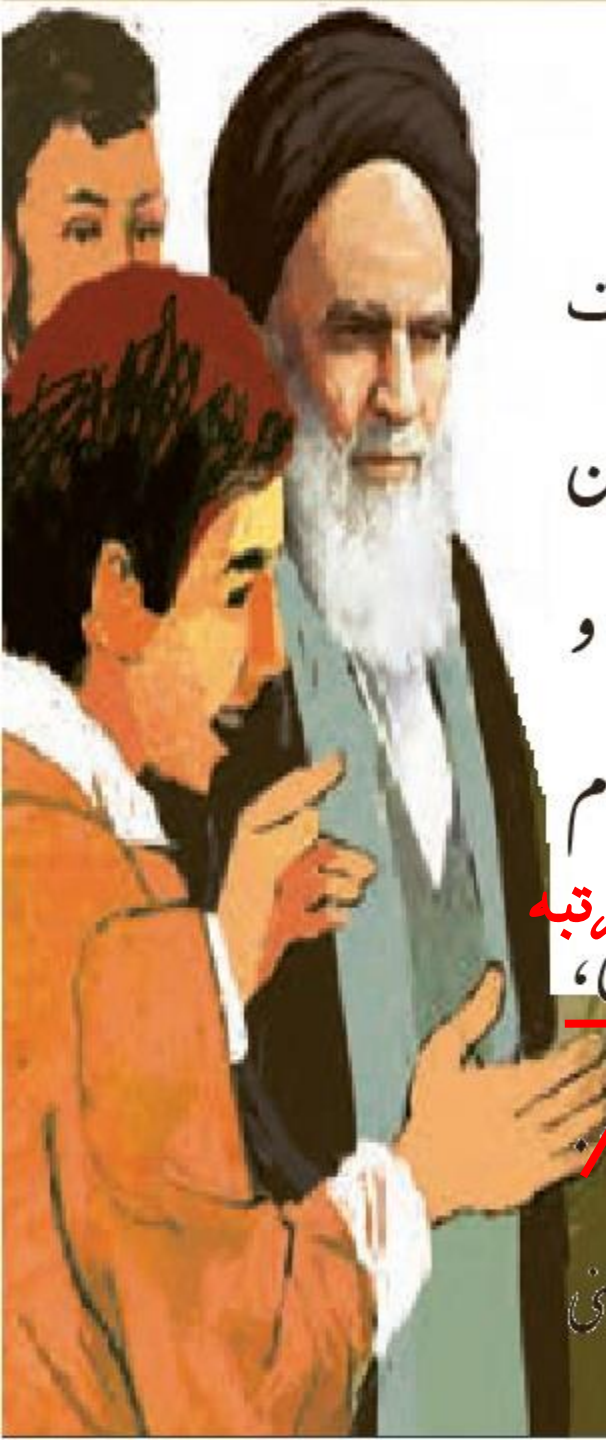
پیشرفت

سلامت و سعادت و ترقی در علم و عمل برای شما نور چشمان، آرزو می کنم/ سلام بر همه شماها/

خوشبختی

کنایه از عزیز بودن

۲۹ شهر صفر ۱۴۰۳ - روح الله الموسوی الخمینی



شوق خواندن

کسی که دانش بسیار دارد

نهاد

متعم مسند فعل اسنادی

علامه محمد تقی جعفری، از همان کودکی کنجاو و دقیق بود. همراه دایی و برادرش به دامن

نهاد

مفعول

طبیعت می رفت. طبیعت را دوست داشت و می کوشید از زیبایی های آن لذت ببرد. او، گاه

نگاه عمیق به چیزی

ترکیب وصفی

دقایقی طولانی به یک گل خیره می شد و نشاط عجیبی احساس می کرد. گاهی وقت ها برای شنیدن

صدای پرندگان، روی تخته سنگی دراز می کشید و چشم هایش را می بست و به آواز آنها که با صدای

رودخانه درهم می آمیخت، گوش می سپرد. از تلخ ترین خاطرات روزهای کودکی او، دیدن کسانی بود

شکار، هم خانواده ی صیاد

مترادف

که با تیرکمان به صید پرنده ها می پرداختند. او از صید گنجشکی کوچک با تیرکمان، احساس بیزاری

شور و اشتیاق

بیزاری بودن

و تنفر می کرد. وقتی در حیاط مدرسه می شنید که هم کلاسی هایش با هیجان از شکار پرنده ای حرف

نهاد عاشق

فعل اسنادی

می زدند، با ناراحتی از آنها دور می شد. او شیفته طبیعت بود و از اینکه کسانی با خشونت سعی می کردند

مسند

مراعات نظیر: صید
، گنجشک، پرنده، شکار،
تیر کمان





گشت و گذار: گردش و تفریح

طبیعت زیبا و آرام را برهم بزنند، رنج می برد.

از روزی که وارد مدرسه شده بود، کلاس درس را نیز مثل گشت و گذار در صحراها و باغها دوست می داشت. همان قدر که از بازی کردن لذت می برد، از حل مسائل ریاضی، مراعات نظیر خواندن جغرافیا و علوم به وجد می آمد. او تعجب می کرد که چرا بعضی از بچه ها درس را به اندازه بازی کردن دوست ندارند و موقع شنیدن و خواندن شعر، احساس شادی نمی کنند.

خانه ای چوبی یا فلزی مشبک که بر سر منار امام یا امام زاده قرار دارد.

در اولین ساعات حضورش در قم به حرم حضرت معصومه (س) پناه برد. سر بر ضریح آن حضرت گذاشت و آرام اشک ریخت. از خداوند خواست به او در راهی که انتخاب کرده است؛ اخلاص و همت بلند، عطا کند و به قلب نگران مادر نیز آرامش و نشاط بخشد و بیماری پاک دلی تلاش و اراده زیاد بیخشد شادابی و کسالت او را شفا دهد.

حرم: داخل مکان زیارتی و مقدس.

بیماری

علاقه، اشتیاق تشنگی

زیارت حضرت معصومه (س) به او آرامش بخشید. باز هم شوق خواندن و عطش مطالعه **فعل اسنادی**

در وجودش زنده شد. مشتاقانه به سوی «مدرسه دارالشفای» قم به راه افتاد. از حرم تا مدرسه راهی **مسند**

در مانگاه، بیمارستان

نمود، تنها چند قدم.

حرم حس و حال مذهبی به اومی داد و مایه ی آرامش او بود و مدرسه پاسخگوی کنجکاوی اومی شد

حرم، دل او را آرام می کرد و مدرسه، اندیشه اش را.

اقاق کوچک

قسمت، بهره

حجره ای ساده و کوچک نصیب او شد. حجره ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبود و

نوعی فرش

کلیم کهنه و ساده ای کف آن را پوشانده بود. حجره ای که برای محمد تقی از همه دنیا بزرگ تر بود. حالا **متعم** **متعم** **مسند** **فعل اسنادی**

می توانست در کلاس درس استادان مختلف، شرکت کند و هر روز تا نیمه های شب به مطالعه و اندیشیدن پردازد.

علامه جعفری، محمد ناصری، باگاهش و اندک تغییر

مدرسه دارالشفای: دارشفای یعنی در مانگاه، بیمارستان، در اینجا نام مدرسه ای است



علامه محمد تقی جعفری:

در مرداد ۱۳۰۴ ه ش در شهر تبریز به دنیا آمد

از استاد جعفری کتابها و آثار علمی فراوانی

درباره ی نهج البلاغه ، مثنوی مولوی و

موضوعات دیگر بر جای مانده است.





۱- چرا دانش‌آموزان از نصیحت کردن امام خودداری کردند؟

زیرا امام بزرگوار از همه‌ی گناهان به دور بودند و امام بت شکن، چهل سال نماز شبشان را ترک نکرده بودند.

۲- چگونه می‌توان برای اسلام و جمهوری اسلامی و کشور مفید بود؟

با خوب درس خواندن، خوب فکر کردن، درست کار کردن، اخلاق خوب داشتن و ...

۳- درباره‌ی عبارت «حرم، دل او را آرام می‌کرد و مدرسه، اندیشه‌اش را» توضیح دهید.

حرم، حس و حال مذهبی به اومی داد و مایه‌ی آرامش او بود و مدرسه،

پاسخگوی کنجکاوی اومی شد.

مسند

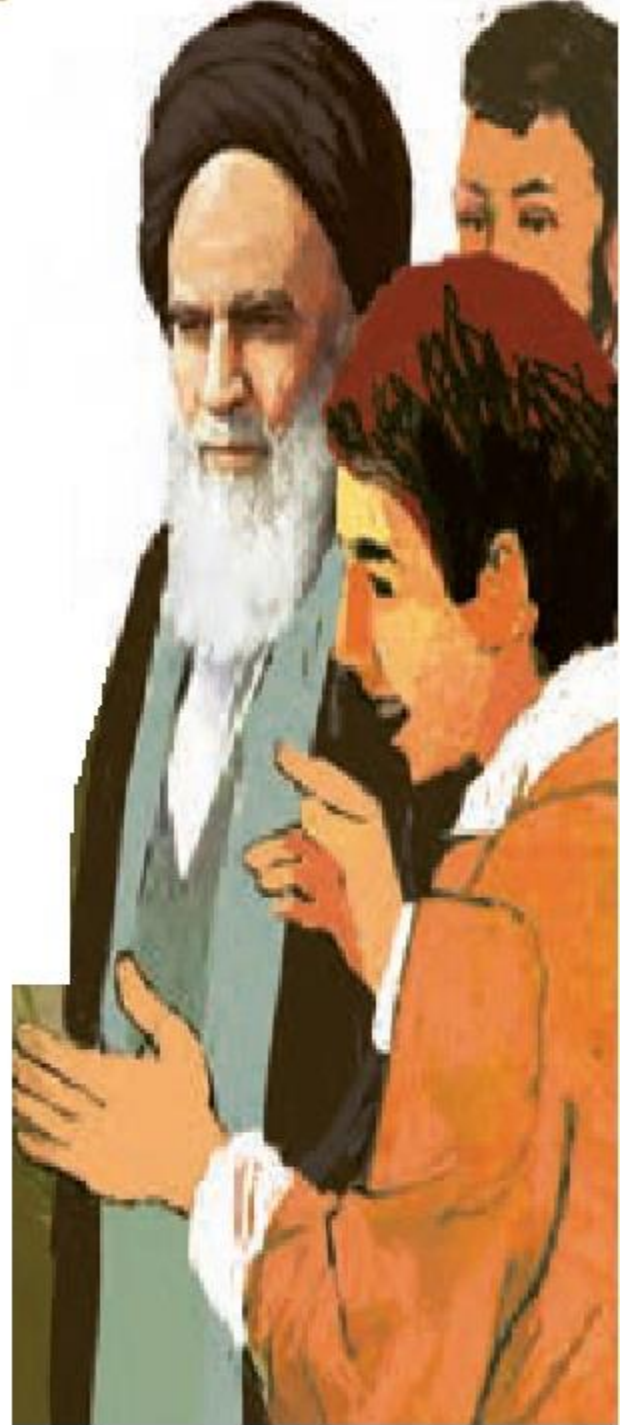
به کلمه یا کلمه هایی که در جمله ، به نهاد نسبت داده می شود مسند می گویند .
مسند معمولاً ، در جمله ، قبل از فعل اسنادی می آید .

مثال :

۱) هوا **تاریک** شد : ((تاریک : مسند)) ((شد : فعل اسنادی))

۲) کودک **خندان** شد . ((خندان : مسند)) ((شد : فعل اسنادی))

۳) بچه ها **ساکت** شدند . ((ساکت : مسند)) ((شدند : فعل اسنادی))



← به فعل هایی مانند، ((است))، ((بود))، ((شد))، ((گشت))،
((گردید)) و ... فعل اسنادی گفته می شود.

← راه شناخت مسند : به ابتدای فعل جمله، ((چگونه)) یا ((چطور))
اضافه می کنیم جواب بدست آمده، مسند است.

مثال :

۱) علامه محمد تقی شیفته ی طبیعت بود. علامه محمد تقی چطور / چگونه بود ؟ ← شیفته ی طبیعت : مسند

۲) دوست خوب کیمیا است. دوست خوب چطور / چگونه است ؟ ← کیمیا : مسند

دانش زبانی

نکته

— هوا روشن است.

— زهرا شاد بود.

— چای سرد شد.

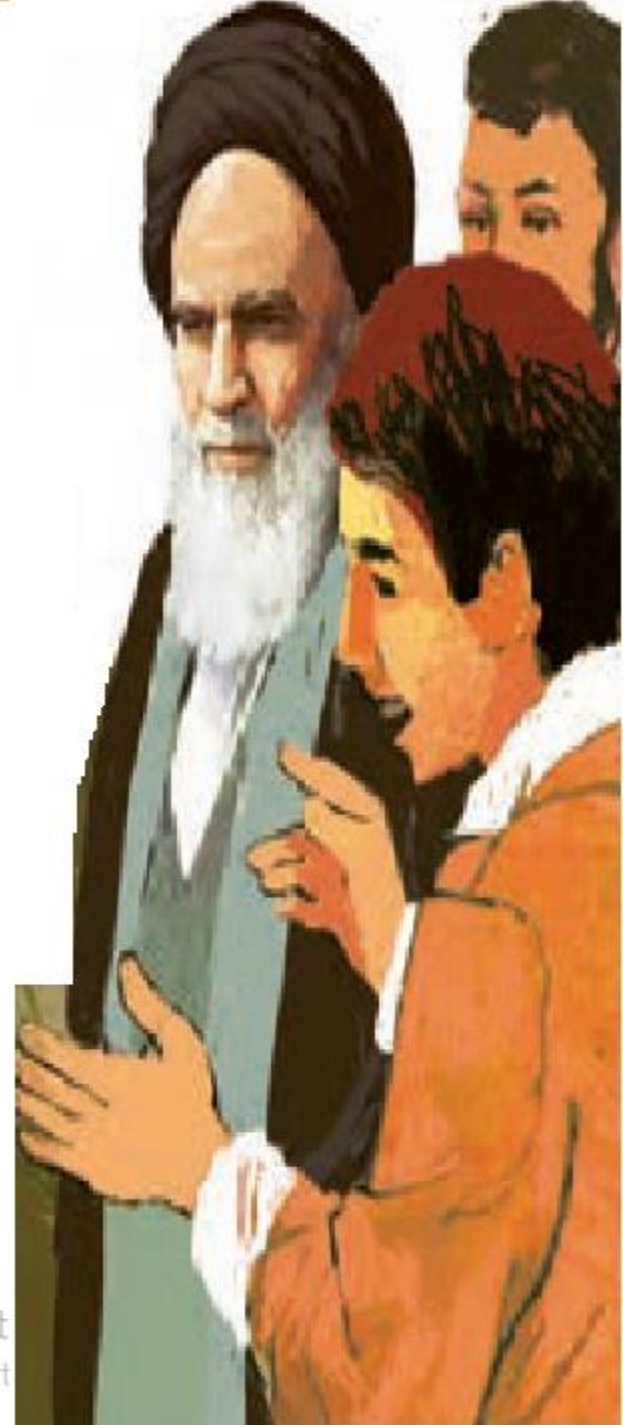
چنان که می بینید فعل جمله های بالا اسنادی است. در جمله اول روشن به هوا، در جمله دوم شاد به زهرا و در جمله سوم، سرد به چای نسبت داده شده است. به کلمه های «روشن»، «شاد» و «سرد» که به نهاد نسبت داده می شود، «مُسند» می گویند.

← در نوشتن املاي دو کلمه گزاردن و گذاردن نباید این دو را باهم اشتباه کرد.

گزاردن به معنای ادا کردن و به جا آوردن و گذاردن به معنای نهادن و قرار دادن است.

← بهتر است هنگام شنیدن نشانه های اختصاری در املا، شکل نوشتاری کامل آنها

نوشته شود؛ مانند «ص»: صلوات الله علیه.





۱- در جمله‌های زیر مسند را مشخص کرده، مُسند مناسب دیگری جایگزین آن کنید.

— علامه جعفری کنجکاو بود. **علامه محمد تقی پر تلاش بود**

— او شیفتهٔ طبیعت است. **او عاشق طبیعت بود**

۲- برای هریک از واژه‌های زیر دو کلمهٔ هم‌خانواده بنویسید.

درس: **تدریس، مدرس، مدرسه، دروس** سعادت: **سعید، مسعود، سعادت‌مند**

راضی: **رضایت، راضیه، مرضیه** طبیعت: **طبیعت، مطبوع، طبع**

۳- با حروف درهم ریختهٔ زیر واژه‌هایی بنویسید که ارزش املائی داشته باشند و در متن درس

به کار رفته باشند. **ترجمه، حجره، محضر، حضرت، ضریح، حرم، رحم، حضر**

ج ح م ر ه ض ی ت

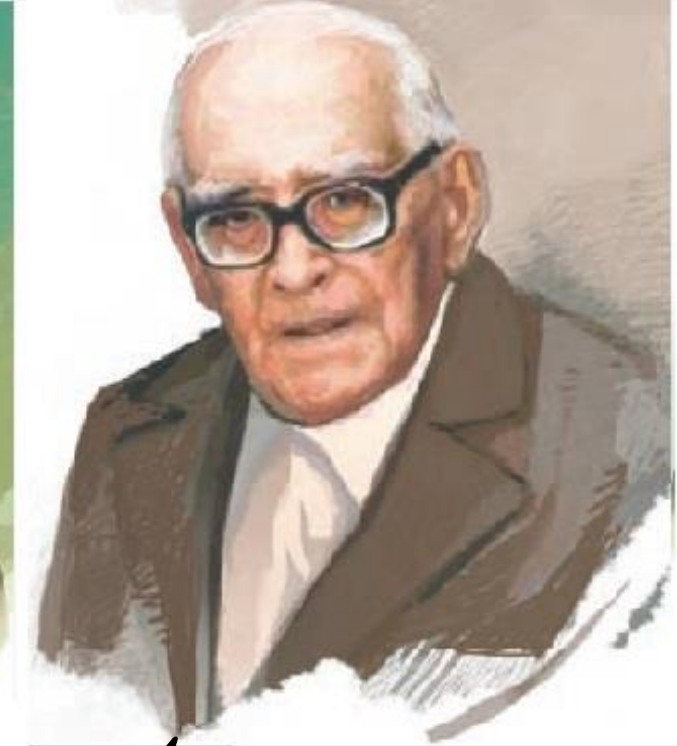
۴- با توجه به معنی، املائی صحیح واژه را انتخاب کنید.

الف) نصیب ■ نسیب □ : قسمت
ب) گشت و گزار □ گشت و گزار ■ : گردش

شاد و قندریست باشید چهارراهی



درس دهم فارسی
موضوع: کلاس ادبیات
پایه: هفتم
متوسطی دوره ی اول



تهیه کننده: زهرا چهارراهی
دیرستان: ۱۵ خرداد
استان: تهران
منطقه: ۴ تهران

درس دهم

ترکیب اضافی

کلاس ادبیات

نهاد ^{تکرار} هم خانواده علم، علوم
کلاس ساکت ساکت است. ^{مستند} معلم ادبیات،

استاد نیما یوشیج
نظام وفا، مشغول خواندن یک شعر فرانسوی
فعل مضارع
است. نیما با کنجکاوی به دهان معلم ^{کنایه از با دقت نگاه کردن} چشم دوخته و با

تمام وجود در ^{گیرایی} جاذبه‌های شعر غرق شده است. معلم،





مفعول

خواندن را تمام می‌کند و با قدم‌های شمرده آرام پشت میزش می‌رود و می‌نشیند. دوست دارد تأثیر

شعر را بر شاگردان ببیند. با دقت همه کلاس را از نظر می‌گذراند و ناگهان نگاهش روی چهرهٔ نیما

می‌ماند. برقی در عمق چشم‌های این نوجوان شهرستانی وجود دارد که همیشه او را به خود جذب می‌کند

اما این بار آن برق بیشتر به چشم می‌آید. (فعل مضارع)

شبه جمله خوب علی جان! مثل این که حرفی برای گفتن داری؟

شبه جمله با عجله و اضطراب
نیما ناگهان به خود می‌آید. هنوز کیچ و غرق زیبایی شعر است. با دستپاچلی می‌گوید: «ها/بله/زیبا

بود/گمان کم/شاعر آن ویکتور هوگو باشد/» ه جمله



– آفرین بر تو پسر با هوش! از کجا فهمیدی؟

نیمایا غرور ادامه می‌دهد: «قبلاً آن را خودم ترجمه کرده‌ام».

مشتاق هستیم

– خوب، که این طور به هر حال ما همه مشتاقیم ترجمه تو را بشنویم / جمله ۴

بلند می‌شود

باز می‌کند

نیمایا بر می‌خیزد و با دست‌هایی لرزان کاغذی را پیش رویش می‌کشد و شروع به خواندن

می‌کند. لرزشی در صدای او احساس می‌شود ولی کم‌کم جای خود را به حرارت و شور و نشاط می‌دهد.

فعل مضارع، ۱ جمله

مراعات نظیر

نیمایا نوشته‌اش را می‌خواند و می‌نشیند.

منادا

– آفرین! آفرین! خیلی خوب بود! آقای علی اسفندیاری! / جمله ۴



نهاد ^{متمم} مسند ^{فعل اسنادی} نمایا از خجالت سرخ شده است و سرب به زیر دارد. کلاس که تمام می شود، معلم صدایش ^{فعل مضارع} می زند.

کنایه از خجالت کشیدن

منادا

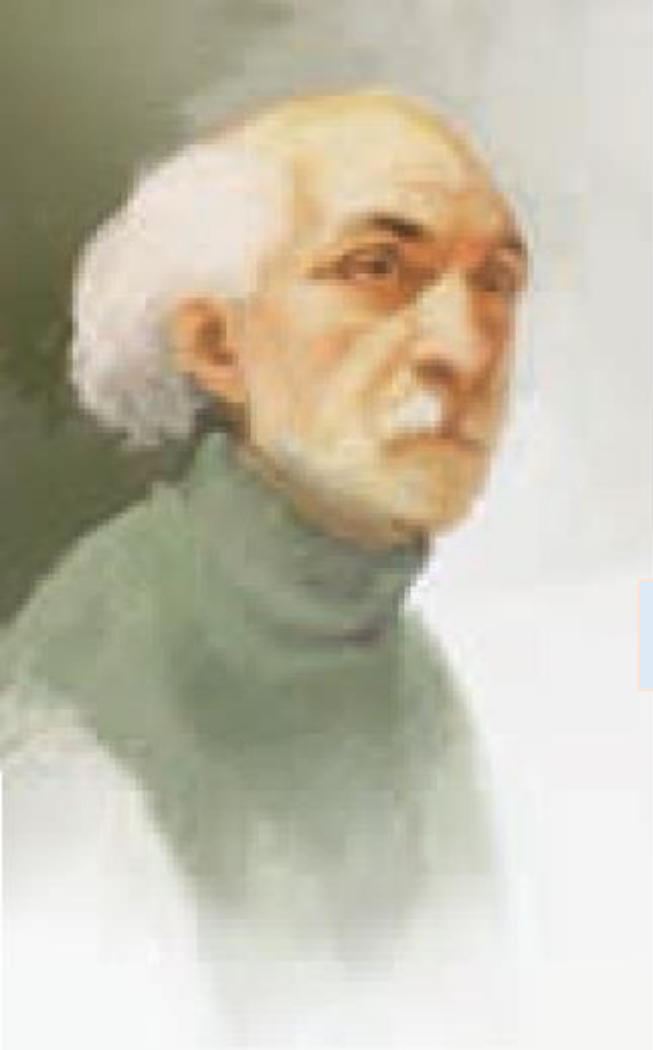
علی جان تو بمان.

معلم ^{نهاد} کتابی را از ^{مفعول} کیفش ^{متمم} در می آورد و می گوید: «بگیر؛ این کتاب را با دقت بخوان. راستی، / ^{فعل مضارع} /

شعر فارسی ^{منادا} چگونه / هیچ مطالعه می کنی؟ /

نمایا جواب می دهد: «بله / از نظامی زیاد می خوانم / ^{فعل اسنادی} / ^{منند} / ^{زینت دادن} / ^{طرز گویش} / معلم با همان کهن گرمش ادامه می دهد: «خیلی عالی است، نظامی در آرایش صحنه های»

شعرش استاد بی نظیری است. شنیده ام خودت هم شعر می گویی. یادت باشد از شعرهایت حتماً ^{بی مانند} /



برایم بیاورمی. دلم می خواهد سرت را بالا بگیرم و با صدای بلند، برایم شعر بخوانی.»

نیمایم از اندکی درنگ، ^{مکث، سکوت} چنین خواند:

نام بعضی نفرات ^{مشبه} یاد کردن بعضی از دوستان ^{مشبه به}

رزق روح شده است. غذا و روزی روح شده است. رزق: خوراک و روزی

وقت هر دلتنگی وقت هر دلتنگی دستم را به سویشان دراز می کنم

سویشان دارم دست ^{شجاعت}

جراتم می بخشد یادشان به من جسارت می دهد

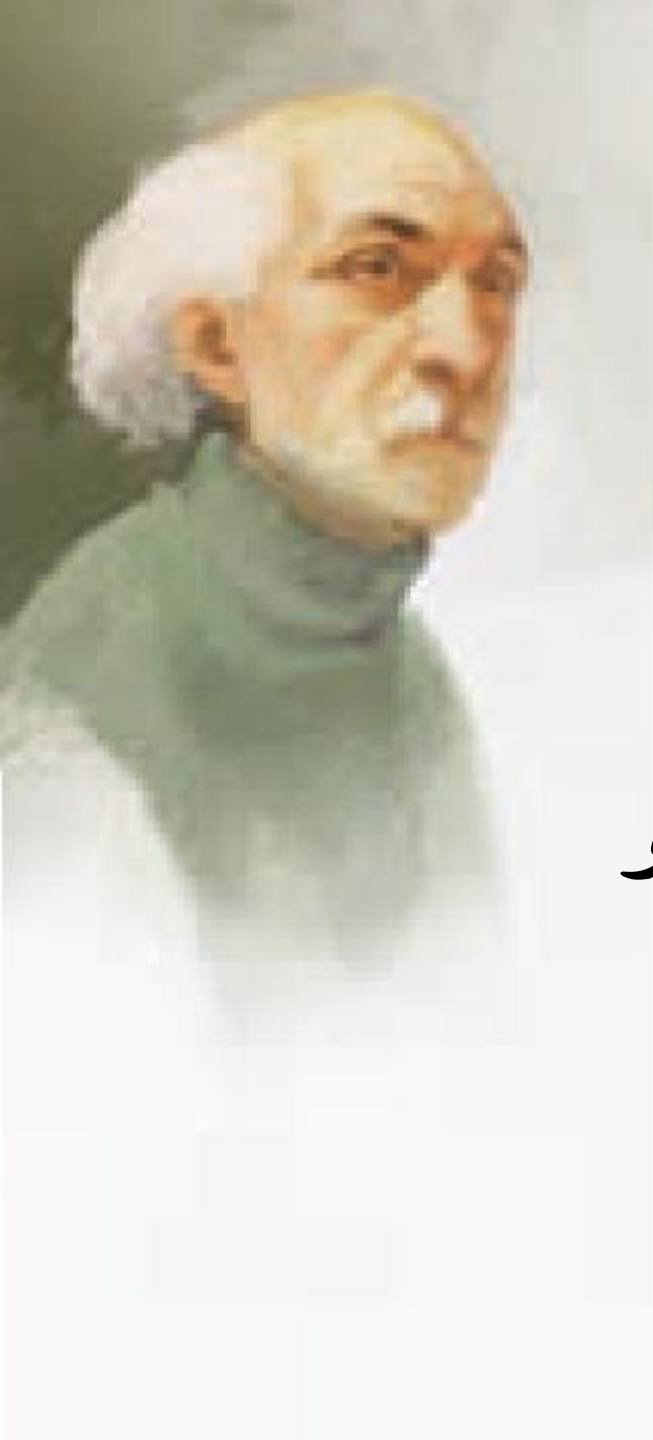
→ نیما، محمد حسن حسینی، با تغییر و افزایش

روشنم می دارد. و هدایت می کند

نمایش :

علی اسفندیاری (نیما یوشیج) در دهکده ییوش از روستا
های مازندران به دنیا آمد. معلمی مهربان به نام **نظام وفا** او را
در خط شاعری انداخت.
از آثار او می توان به **افسانه**، **ای شب**، **قصه ی رنگ پریده** و
..... اشاره کرد.

نیما با **بهرگیری** از عناصر طبیعت با بیانی رمز گونه به
ترسیم سیمای جامعه ی خود پرداخته است.
از او به عنوان **پدر شعر نو** یاد می شود.



تفکر: فکر کردن
کوشا: تلاشگر

مرواریدی در صدف



مراعات نظیر

فعل اسنادی

مسند

متمم

نهاد

پروین از کودکی کوشا و اهل تفکر بود. در یازده سالگی با اشعار فردوسی، نظامی، مولوی و

ناصر خسرو آشنا شد. این کودک آرام و با استعداد، با راهنمایی و کمک پدرش، سرودن شعر را

مفعول

متمم

نهاد

آغاز کرد. پدر از پروین، همچون مرواریدی در صدف، با دقت مراقبت می کرد.

وجه شبه

مشبه به

مشبه ادات تشبیه

پدر، گاهی قطعه هایی زیبا از شعرهای عربی، ترکی، فرانسوی و انگلیسی را ترجمه می کرد و پروین

مراعات نظیر

را تشویق می کرد تا آنها را به صورت شعر در آورد. گاهی شعری از شاعران قدیم ایران به او می داد

هم خانواده

(مراعات نظیر: شعر، قافیه

، سرودن، شاعر)

تا قافیه هایش را تغییر بدهد و در سرودن شعر تجربه بیندوزد.

کسب کند

نهاد مفعول متمم
 پروین اعتصامی اولین شعرهایش را در هفت یا هشت سالگی سروده است. بعضی از
 این شعرها به اندازه‌ای زیبا، جالب و پرمعنا هستند که خواننده را به شگفتی وامی‌دارند. برخی از
 زیباترین شعرهایش را در نوجوانی و در یازده تا چهارده سالگی سروده است. شعر «ای مرغ کوچک»
 او در دوازده سالگی سروده شده است.

تعجب، حیرت
 مرغ کوچک
 حرف ندا
 منادا

حرف ندا منادا کوچک
 ۱ ای مرغ خرد / آشیانه
 پرواز کن / و پریدن آموز / ۳ جمله
 پرواز کردن
 مفعول

معنی بیت: ای پرندۀ کوچک، از لانه ات پرواز کن و پرواز کردن را یاد بگیر

آرایه‌ی بیت: ۱: مراعات نظیر بین مرغک، آشیانه، پرواز، پریدن

۲: جان بخشی (تشخیص) در ای مرغک خرد



با ناز راه رفتن
تا کی حرکات کودکانه؟ / در باغ و چمن حمیدن آموز / ۲ جمله
مفعول

معنی بیت: تا کی می‌خواهی مثل بچه‌ها رفتار کنی؟ وقت آن رسیده است تا با ناز و غرور در باغ و چمنزار راه بروی.

تسلیم / تو نمی‌شود / روزگار / رام از چه شدی؟ / رسیدن آموز / ۳ جمله
فرار کردن

معنی بیت: روزگار تسلیم تو نمی‌شود پس تو هم از روزگار اطاعت نکن حرکت کن و تکاپو را بیاموز. (راه برطرف کردن مشکلات را یاد بگیر)

آرایه‌ی بیت: ۱: آرایه‌ی تکرار ۲: تشخیص: رام تو نمی‌شود زمانه



تشخیص: بر مردم چشم دیدن آموز

فکر نکن / دامن هست باز / بر مردم چشم دیدن آموز / ۴ جمله

معنی بیت: به این فکر نکن که ممکن است دام وجود داشته باشد و تو گرفتار شوی. نترس و به مردمک چشمانت دیدن را یاد بده. (به مشکلات زندگی فکر نکن، وسیعی کن سختی‌ها را با روش درست از پیش رو برداری)

برو / روز به فکر آب و دانه / بنگام شب آریدن آموز / ۲ جمله

معنی بیت: روزها به دنبال رزق و روزی باش و شب‌ها آرام بگیر و استراحت کن.

آرایه‌ی بیت: ۱) تضاد بین شب و روز ۲) آب و دانه کنایه از روزی



نهاد

مسند

فعل اسنادی

پروین و سروده‌هایش آنقدر شگفت‌انگیز بودند که بزرگ‌ترین شاعران روزگار، او را

مترادف

تحسین و تشویق می‌کردند. محمد حسین شهریار، شاعر بزرگ روزگار ما، هنگامی که سروده‌های دورهٔ

مفعول

نوجوانی پروین را می‌خواند، می‌گفت:

مانند، هم‌تا

شاعر زن

جمله ۲

به راستی کم‌یکی از نوابغ ادب است میان شاعره‌ها تا کنون نظیرش نیست

ج نابغه، باهوش، زیرک

معنی بیت: به راستی که پروین اعتصامی یکی از نابغه‌های ادبیات است. و در میان شاعران زن تا الان کسی مثل او نبوده است.

← پروین اعتصامی، مناز بهمن، باکاهش و تغییر



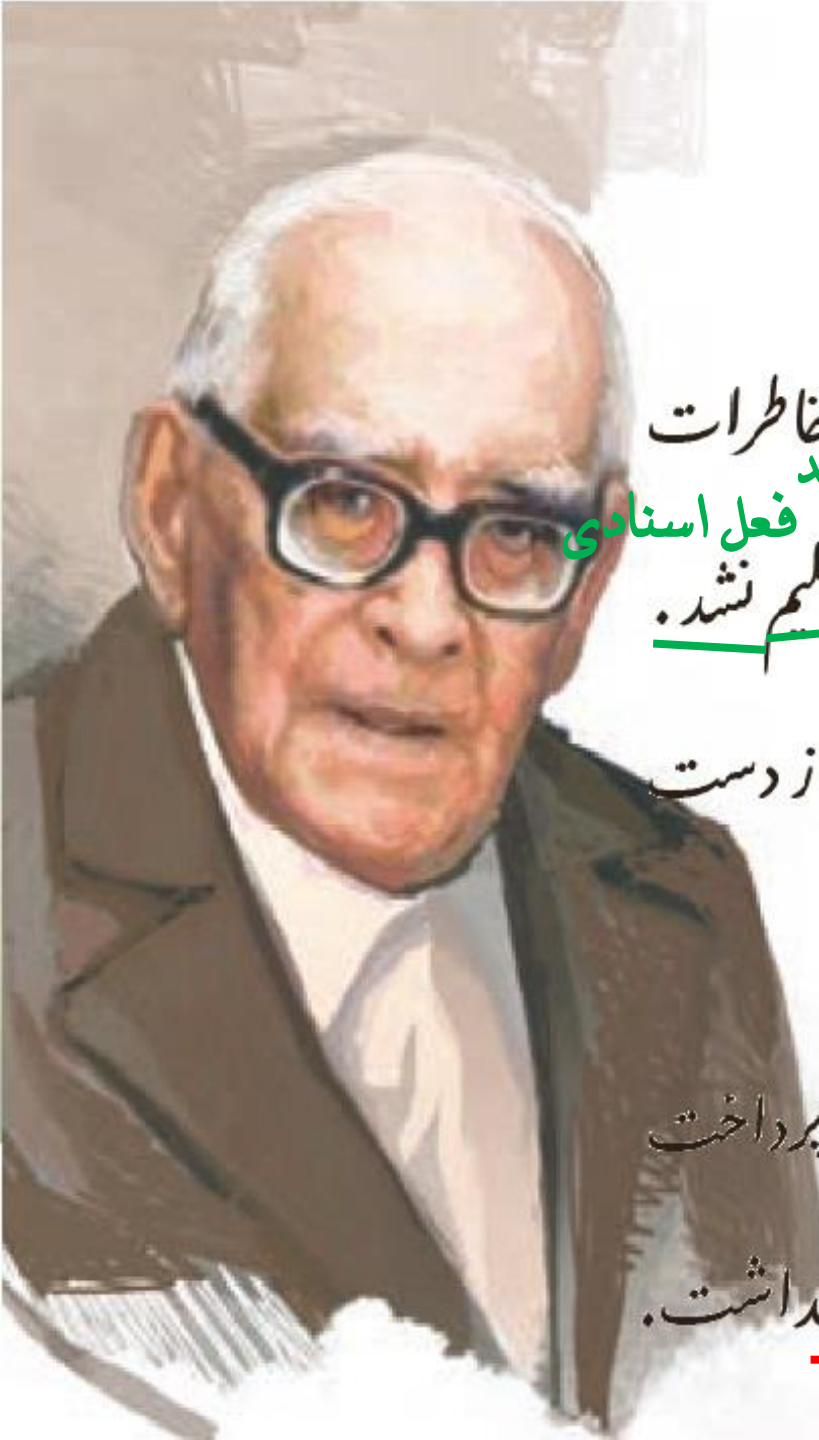
پروین اعمصامی:

ایشان از شاعران قرن معاصر می باشند که نخستین
سرودهایشان را در **مجله ی بهار** به چاپ رساندند
تنها اثر ایشان، **دیوان شعری** است که شامل **قطعات** و
قصاید بسیار دلنشین است.

بیشتر قطعات خود را به **صورت گفت و گو سرود** که در
اصطلاح ادبی به آن **((مناظره))** می گویند.



زندگی حسابی

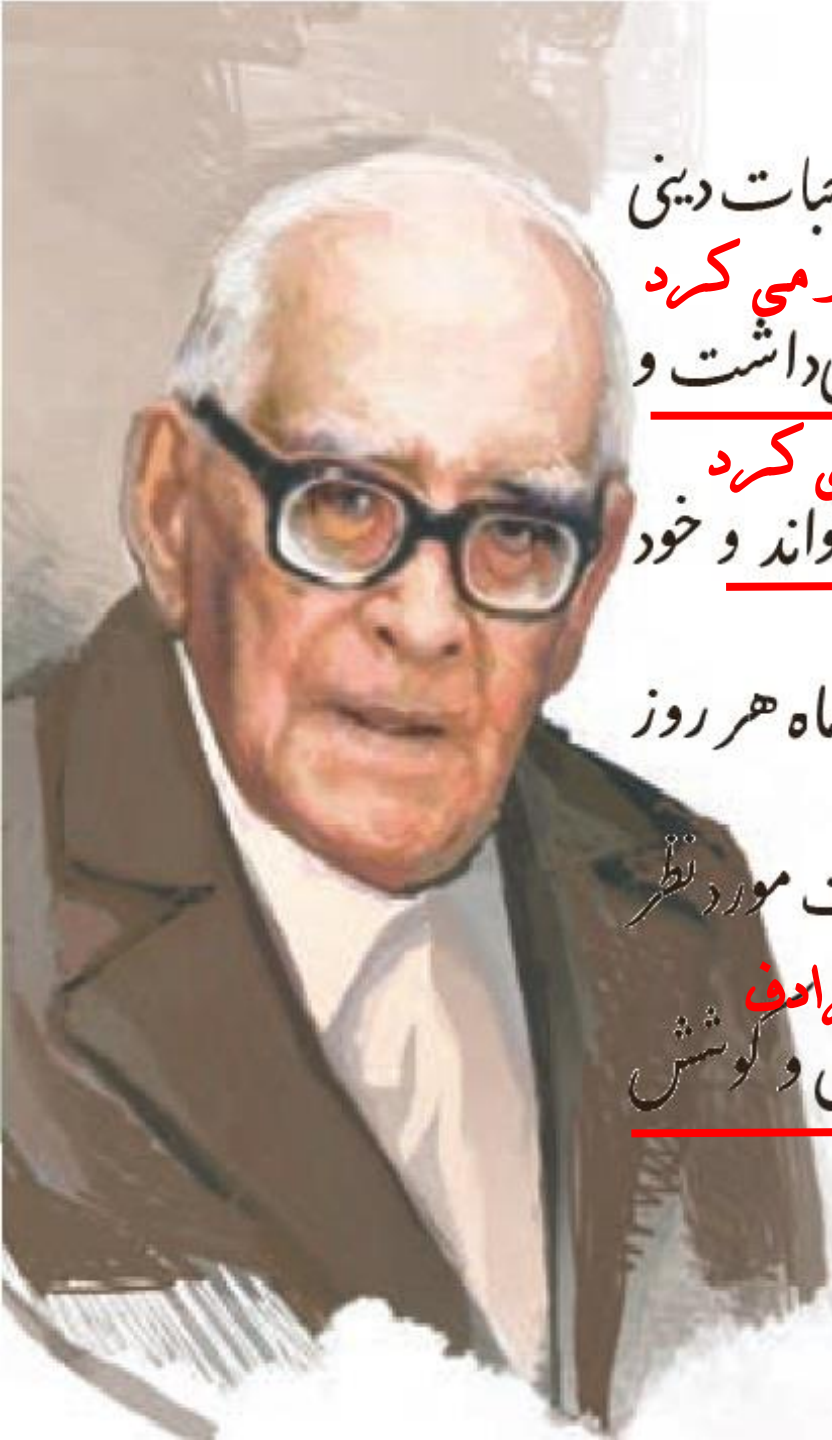


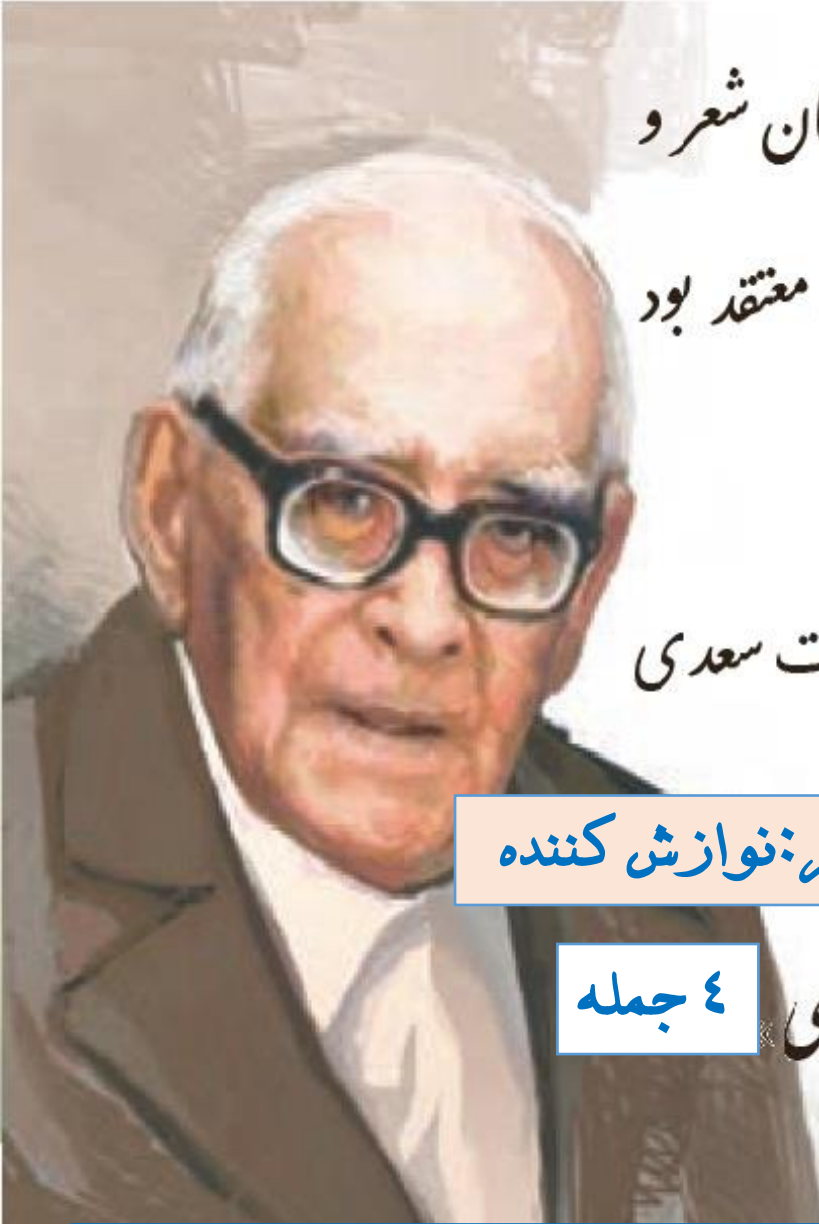
دکتر محمود حسابی ^{نهاد} دوران ^{مفعول} کودکی را با ^{متمم} سختی و فقر گذرانده بود، به طوری که یادآوری خاطرات آن روزها ناراحتش می کرد ولی ^{پیوسته} تعمواره می گفت: «مهم این است که در مقابل سختی ها ^{مسنند} تسلیم نشد». اگر انسان در برابر دشواری ها بایستد، بر آنها ^{مسلط، پیروز} چیره می شود، البته باید صبر و طاقت ^{مفعول} را از دست نداد و ^{ناشکری} هیچ گاه ناسپاسی نکرد.

^{تحقیق} آسایش، آسودگی پرفسور حسابی، هر وقت از خواندن و پژوهش فراغت می یافت، به باغبانی می پرداخت و در زمان مناسب از بیل زدن باغچه و یا خالی کردن آب حوض خانه اش هم ^{قرس} پروایی نداشت.

حفظ کننده

استاد حسابداری، خود حافظ قرآن بود و فرزندانش را از کودکی به یادگیری و انجام واجبات دینی تشویق می کرد. حتی آنان را به تلاوت آیات به شیوه صحیح و درک کامل معانی آنها و دعوت می کرد آموختن دانش علاوه بر دانش اندوزی، به یادگیری امور فنی مانند بنایی، جوش کاری و تجاری فرا می خواند و خود نیز برای ساخت برخی از قطعات صنعتی، تا پایانی از شب کار می کرد. او حدود هشت ماه هر روز به یک تراش کاری می رفت و برای ناهار به یک بیسکویت راضی می شد تا بتواند قطعات مورد نظر را بسازد و کشور را از واردات بی نیاز کند. او راه شکوفایی و استقلال کشور را در تلاش و کوشش افراد جامعه می دانست و با علم بدون عمل، مخالف بود.





دکتر حسابی به زبان و فرهنگ و ادب فارسی نیز عشق می ورزید و آثار بیشتر بزرگان شعر و

مراعات نظیر

ادب را با دقت مطالعه می کرد. دیوان حافظ را به خوبی می خواند و از آن لذت می برد و معتقد بود

مترادف

که یک ایرانی نباید غزل حافظ را غلط بخواند و یا نادرست بفهمد.

علاقه

ورودی

دل بستگی استاد به شعر و ادب تا اندازه ای بود که سر در خانه اش را به این بیت سعدی

زینت داده بود

چشم ها عابران علاقمندان

نوازشگر: نوازش کننده

آراسته بود که امروز نوازشگر دیدگان رهگذران و مشتاقان آن استاد است:

خداشناس، هوشیار

قلمرو هستی

۴ جمله

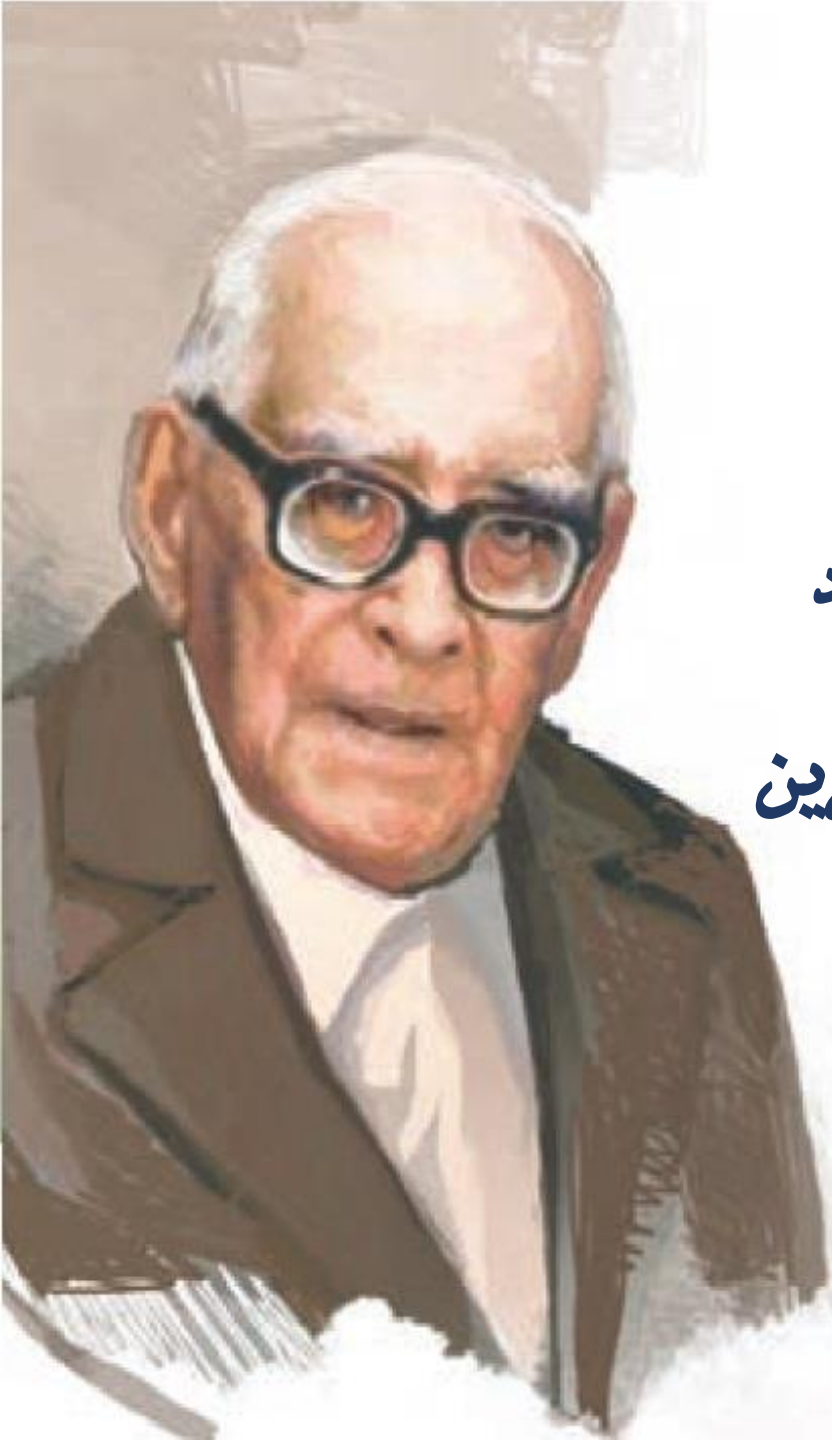
«به جان زنده دلان، سعدیا، که ملک وجود نیز د آنکه دلی راز خود بیازاری

(منظور دنیا) نمی ارزد

سعدی: مناداء الف: حرف ندا

معنی بیت: ای سعدی به جان انسان های صالح و خداشناس تو را قسم می دهم که این دنیا ارزش ندارد که دلی را از خود آزار دهی.

دکتر محمود حسابی:



پدر علم فیزیک ، برنده جایزه مرد علمی و تنها شاگرد
ایرانی ((آلبرت انیشتن)) است و یکی از برجسته ترین
شخصیت های تاریخ ایران و جهان محسوب می شود .

فرزند انقلاب

فعل ماضی

سعید، هنوز سال‌های دبستان را پشت سر گذاشته بود که با شور و علاقه، مطالعه کتاب‌های

فعل ماضی

فعل ماضی

فعل ماضی

فعل ماضی

مختلف را شروع کرد. ساعت‌ها می‌نشست و تا کتابی را به پایان می‌رساند، رها نمی‌کرد.

فعل ماضی

در دوره دبیرستان، نمایشنامه «ابوزر» را همراه با دوستانش اجرا کرد. او به پیامبر (ص) و

فعل مضارع

فعل ماضی

فعل ماضی

یارانش عشق می‌ورزید و می‌کوشید؛ این شخصیت‌ها را به هم سن و سال‌هایش بشناساند.

فعل ماضی

فعل ماضی

هجده ساله بود که معلم هنرستان شد و به دانش‌آموزانش که شانزده یا هفده ساله بودند، درس

فعل ماضی

فعل ماضی

فعل ماضی

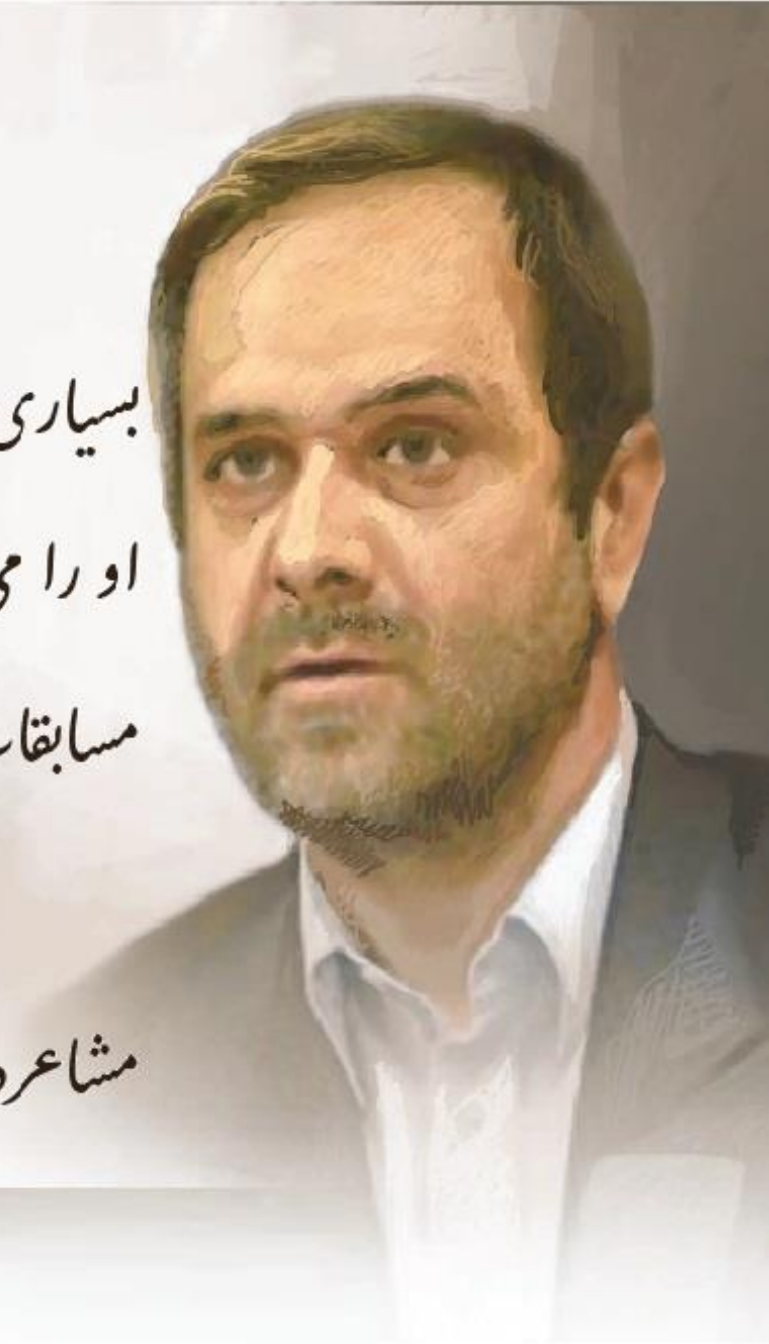
می‌داد. همه او را استاد جوان می‌خواندند. او و شاگردانش تقریباً هم سن و سال بودند!



خواندن آرام و زیر لب

جان و دل سعید با صدای دل نواز قرآن، آشنا بود. در خلوت، قرآن زمزمه می کرد و بسیاری از آیات را به حافظه سپرده بود. اگر با او همسفر می شدی در طول راه، تلاوت زیبای قرآن او را می شنیدی. ورزش می کرد و به فوتبال علاقه مند بود. همیشه دوست داشت ایران را در همه مسابقات پیروز و سربلند ببیند. (مراعات نظیر: ورزش، مسابقات، فوتبال)

شاکردانش می گویند: «به دو چیز علاقه مند بود، قرائت قرآن و مشاعره. وقتی دیلران در مساعره می ماندند، سعید ادامه می داد. ذهن او لبریز سروده های زیبا بود». نهاد مسند فعل اسنادی





شجاعانه

سال‌ها در جبهه‌ها، دلیرانه شرکت کرد. به رزمندگان روحیه داد و با همه توان از اسلام و ایران دفاع کرد و از آن پس به عنوان پژوهشگری نوآور و علمی، افتخار آفرین شد.

کنایه از مردن

دکتر سعید کاظمی آشتیانی، دانشمند بزرگ روزگار ما، در دی ماه ۱۳۸۴ چشم از جهان فرو بست. مقام معظم رهبری در وصف این پژوهشگر فداکار نوشتند: «وی یکی از فرزندان صالح انقلاب و از رویش‌های مبارکی بود که آینده درخشان علمی را در کشور خود، نوید می‌دهند».

رویدن، نمو

خبر خوش

دکتر سعید کاظمی آشتیانی:



در تهران دیده به جهان گشود و پس از تحصیلات ابتدایی و
متوسطه وارد دانشگاه علوم پزشکی شد در دانشگاه تربیت
مدرس دکترای رشته ی علوم تشریحی را گرفت.
با تدبیر و دور اندیشی این سرباز گمنام در عرصه های علم در
سطح بین المللی ، کشور جمهوری اسلامی ایران موفق به اخذ
موفقیت های عالی در زمینه ی طب ، علوم زیستی و ... گردید .



خودارزیابی

۱- معلم، برای تشویق نیما چه کرد؟

به او کتاب داد تا مطالعه کند .

۲- دکتر حسابی و دکتر کاظمی آشتیانی چه خصوصیات مشترکی داشتند؟

هر دو به قرائت قرآن و شعر و ادبیات و مطالعه علاقمند بودند .

۳- به نظر شما چرا دکتر حسابی، با «علم بدون عمل» مخالف بود؟

زیرا علم به تنهایی فایده ای ندارد و وقتی مفید می شود که از علم خود

۴- برای پیشرفت خود و کشور استفاده کنیم . و کشور را به استقلال

برسانیم .

نکته اول

به این جمله‌ها توجه نمایید و درباره آنها گفت‌وگو کنید.

– دانش‌آموز، برای قدردانی از معلم خود، نامه نوشت.

– دانش‌آموز، برای قدردانی از معلم خود، نامه می‌نویسد.

– دانش‌آموز، برای قدردانی از معلم خود، نامه خواهد نوشت.

می‌دانیم که فعل مهم‌ترین جزء جمله است. فعل **ویژگی‌هایی** دارد که یکی از آنها **زمان** است. در

جمله اول فعل «نوشت» بر زمان گذشته، در جمله دوم فعل «می‌نویسد» بر زمان حال و در جمله سوم فعل «خواهد نوشت» بر زمان آینده، دلالت دارد. اکنون درباره نمودار زیر، گفت‌وگو کنید.



نکته دوم

شعر زیر را، یک بار بخوانید و طرز قرار گرفتن قافیه را در آن مشخص کنید.

قافیه

چه خوش گفت زالی به فرزند خویش چو دیدش پلنگ افکن و پیل تن

گر از عهد خردیت یاد آمدی که بچاره بودی در آغوش من

نکردی در این روز بر من جفا که تو شیر مردی و من پیرزن

به این نوع شعر «قطعه» می‌گویند. اکنون به جایگاه قافیه در شعر توجه کنید :

نمودار
قالب
قطعه



-
-
-

قطعه، شعری است که در آن به پند و اندرز و مسائل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازند و مصراع‌های

دوم همه بیت‌های آن هم قافیه هستند. (۱) در مورد قالب قطعه توضیح دهید

← یکی از راه‌های تشخیص شکل درست املاي کلمه‌ها علاوه بر توجه به معنا،

دقت در رسم الخط رایج زبان است؛ مانند : خواهش، بالاخره و ...

← کلمه فراغ به معنی آسودگی و کلمه فراق به معنی جدایی است. تشخیص درست

این دو کلمه در هنگام املا از راه مهارت شنیدن و معنی جمله میسر است.

خواهم رفت : آینده
 می نویسند : حال (مضارع)
 شنیدیم : گذشته (ماضی)
 نشسته بودید : گذشته (ماضی)
 گرفته بودی : گذشته (ماضی)
 آمدند : گذشته (ماضی)

۲- پیام، قافیه و ردیف را در «قطعهٔ زیر» بنویسید.

برزگری پند به فرزند داد
کای پسر این پیشه پس از من تو راست

هر چه کُنی کشت، همان بَدْرَوی کار بد و نیک چو کوه و صداست **قافیه ردیف**

پیام شعر : نتیجه ی اعمال و رفتار ما به خود ما بر می گردد.



۳- با توجه به متن درس، جای خالی را با کلمه مناسب پر کنید.

– معلّم با همان **لحن** .. گرمش ادامه داد : «خیلی عالی است.»

– اگر با او همسفر می شدی در طول راه **تلاوت** زیبای قرآن او را می شنیدی.

۴- در متن زیر غلط های املائی را پیدا کنید و شکل درست آنها را بنویسید.

مهم این است که در مقابل سختی ها تسلیم نشد. اگر انسان در برابر دشواری ها بایستد، بر آن

چیره می شود، البته باید صبر و طاقت را از دست نداد و هیچ گاه ناسپاسی نکرد.

طاقت

شاد و قندریست باشید



چهارراهی

درس دوازدهم فارسی
موضوع: خدمات متقابل اسلام و ایران

پایه: هفتم

متوسطه ی دوره ی اول

تهیه کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

استان: تهران

منطقه: ۴ تهران

احسنت، مَرَحِبَا

مَجَاز از انسان

آفرین، جان آفرین پاک را آن که جان بخشید و ایمان، خاک را

خلق کننده و ایجاد کننده جان

معنی بیت: ستایش و سپاس بر خداوند پاک باد، خداوندی که به وجود خاکی
انسان، روح و ایمان بخشید.

آرایه ی بیت: ۱) تلمیح (وخلقنا الانسان من الطین. ما انسان را از خاک آفریدیم)
۲) تکرار (جان)

عطار نیشابوری

عطار نیشابوری:

شاعر و عارف بزرگ ایرانی در قرن **ششم** و آغاز قرن

هفتم است. تذکره اولیا و منطق الطیر از آثار اوست

پیام درس

- ۱: تاثیر دین اسلام در فرهنگ ایران و تاثیر فرهنگ ایرانی بر مسلمانان
- ۲: ایرانیان با ذوق و علاقه، به پیشرفت اسلام کمک کردند.
- ۳: مفاهیم اسلامی باعث پیشرفت ادبیات و به وجود آمدن آثار ارزنده ادبیات شد.

درس دوازدهم

خدمات متقابل اسلام و ایران

نوع نشر: ساده و روان
لحن: تعلیمی

شاید اولین فرد مسلمان ایرانی، سلمان فارسی است که پیامبر بزرگوار اسلام (ص) درباره
او فرمودند: «سلمان من اهل البیت». ^{مرجع ضمیر}
^{جدا سوم شخص مفر} سلمان از خانواده ی من است.

اسلام، آیین و قانونی است که متعلق به همه افراد بشر است و بر زبان خاصی تکیه نمی کند؛
^{هم خانواده مخصوص، خصوصی} ^{انسان} ^{راه و رسم}
بلکه هر ملتی با خط و زبان خود می تواند بدون هیچ مانع از آن پیروی کند. بنابراین، اگر می بینید
ایرانیان پس از قبول اسلام باز به زبان فارسی تکلم کردند، ^{صحبت کردند} هیچ جای تعجب و شکفتی نیست.
^{مترادف}

جمع ملت

یکی از موفقیت‌های اسلام این است که ملل مختلف با زبان‌ها و فرهنگ‌های گوناگون،

بهره، نصیب

آن را پذیرفته‌اند و هر یک به سهم خود، خدماتی کرده‌اند.

کار بزرگ و برجسته، ممتاز

ضمیمه جدا اول شخص جمع ارزشمند

اگر زبان فارسی از میان رفته بود، ما امروز آثار کران‌بها و شاهکارهای اسلامی ارزنده‌ای

با ارزش

جمع اثر

مراعات نظیر

همچون مشنوی، گلستان، دیوان حافظ، آثار نظامی و صدها اثر زیبای دیگر نداشتیم. در سراسر این

آثار، مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می‌زند و پیوند اسلام را با زبان فارسی، جاودان می‌سازد.

همیشگی

کنایه از زیاد بودن مفاهیم

پس از ظهور اسلام و ^{پیدایش} تشکیل حکومت اسلامی و کرد آمدن ملل کوناگون در زیر پرچم اسلام،

تمدنی عظیم و بسیار کم نظیر ^{بی مانند} به وجود آمد که تاریخ، آن را به نام «تمدن اسلامی» می شناسد. در این

تمدن، ملت های کوناگون از آسیا و آفریقا و حتی اروپا شرکت داشتند اما سهم ^{مهم} عمده از آن ایرانیان

است. ^{روشنایی} تمایل، میل ^{همراه، همگام} هم دوش با سایر ملل اسلامی و ^{جلوتی} پیشاپیش همه آنها مشعل دار ^{کنایه از رهبر، راهنما}

ایران در پرتو کرائش به اسلام، همدوش با سایر ملل اسلامی و پیشاپیش همه آنها مشعل دار

یک تمدن شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد.
^{با شکوه}

اسلام، دروازه سرزمین های دیگر را به روی ایرانی و دروازه ایران را به روی فرهنگ ها

شایستگی

و تمدن های دیگر باز کرد که دو نتیجه برای ایرانیان حاصل شد: یکی اینکه توانستند هوش و لیاقت

رهبر

توانایی

و استعداد خویش را به دیگران عملاً ثابت کنند؛ به طوری که دیگران آنها را به پیشوایی و مقتدایی

رهبر، پیشوا

بزرگی

گسترش

پذیرند؛ دیگر اینکه توانستند سهم عظیمی در تکمیل و توسعه یک تمدن عظیم جهانی به خود اختصاص

هم خانواده ی مختص، مخصوص

کامل شدن

دهند.

مراعات نظیر

مانند

استعدادهایی نظیر بوعلی، فارابی، ابوریحان، خیام، خواجه نصیرالدین توسی، ملاصدرا و

خداشناس

سخندان

تاریخ نویس

دانشمند علم تجربی

صدها عالم طبیعی و ریاضی و مورخ و جغرافی دان و پزشک و ادیب و فیلسوف و عارف در این

مراعات نظیر

کسی که در مورد فلسفه اطلاعاتی دارد

بنای عظیم فرهنگ اسلامی، پرورش یافتند.

شایسته، سبزاوار
ایرانیان خدمات بسیار شایانی به اسلام کرده‌اند و آن خدمات از روی صمیمیت و اخلاص پاک دلی

و ایمان بوده است.

از روی اخلاص، پاک
ضمیمه پیوسته سوم شخص مفرد
این خدمات، نشان دهنده احساسات پاک و خالصه ایرانیان است؛ زیرا سر و کارش کار بزرگ و باارزش تکرار به وجود می آیند با عشق و ایمان است. شاهکارهای بشری، تنها و تنها با عشق و ایمان، پدید می آیند.

عمومی تر (در اینجا یعنی شامل)
شاهکارهای هنری ایران در دوره اسلامی، اعم از معماری، نقاشی، خوش نویسی و ...

مراعات نظیر
بیشتر در زمینه های دینی - اسلامی بوده است. گنجینه های قرآن که در موزه های مختلف کشورهای وجود دارد و فعل غیر اسنادی

اسلامی و غیر اسلامی هست، اوج هنر ایرانی را در زمینه های اسلامی و در حقیقت، جوشش روح

اسلامی را در ذوق ایرانی، نشان می دهد.

جمع مظهر، نشانه ها

یکی از مظاهر خدمات فرهنگی ایرانیان به اسلام، خدماتی است که از راه زبان فارسی به

جمع ادیب، سخندان

جمع حقیقت

لباس

اسلام کرده اند. ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی، حقایق اسلامی را با جامه زیبای شعر و نثر فارسی

جمع عارف، خداشناسان

تشبیه

به زیباترین شکل، آرایش داده اند و حقایق اسلامی و معانی لطیف قرآنی را در میان حکایاتی شیرین

تزیین کرده اند

جمع معنی

داستان هایی

آورده اند. «مشنوی مولانا» بهترین شاهد برای سخن ماست.

شهید مرتضی مطهری

شهید مرتضی مطهری: (۱۲۹۸ - ۱۳۵۸ هجری شمسی)

وی یکی از شاگردان برجسته ی امام خمینی (ره) بودند که به مراتب عالی علمی رسیدند.

برخی از آثار ایشان عبارتند از: خدمات متقابل اسلام و ایران،

داستان راستان، تماشاگاه راز، سیری در نهج البلاغه، جاذبه و

دفاعه ی علی (ع)



خودارزیابی

۱- معنای «سلمانٌ مِنّا اهلُ البیت» را بیان کنید. **سلمان جزو خانواده ی من است**

۲- چگونه زبان فارسی به گسترش تمدن اسلامی کمک کرده است؟ **ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی حقایق اسلامی را با جامه ی زیبای شعر و نثر فارسی به زیباترین شکل آرایش داده اند و حقایق اسلامی را در میان حکایات شیرین آورده اند.**

۳- به نظر شما چگونه می توان به تمدن اسلام و ایران بیشتر خدمت کرد؟ **بافراگیری علم و هنر، عمل به دستورات قرآن، آشنایی با سایر فرهنگ ها، به کارگیری هوش و استعداد، اجرای دستورات دینی و ...**

۴-



نکته

به این جمله‌ها توجه نمایید و درباره آنها گفت‌وگو کنید.

– مریم دانش‌آموز پرتلاشی است، دوستان مریم آینده خوبی را برای مریم پیش‌بینی می‌کنند.

– مریم دانش‌آموز پرتلاشی است، دوستانش آینده خوبی را برای او پیش‌بینی می‌کنند.

همان‌طور که می‌بینید در جمله نخست کلمه «مریم» سه بار تکرار شده است. اما در جمله دوم برای

پرهیز از تکرار، «ش» و «او» به جای کلمه مریم به کار رفته است.

کلمه‌هایی مانند : «من، او، شما، م، تان و ...» که به جای اسم می‌نشینند، **ضمیر** نام دارند و کلمه‌ای

که ضمیر به آن برمی‌گردد، «**مرجع ضمیر**» نامیده می‌شود.

دانش زبانی درس ۱۲ : ضمیر

ضمیر: کلمه ای است که به جای اسم در جمله می آید تا از تکرار آن جلوگیری کند.

مثال :

الف: مریم دانش آموز پر تلاشی است دوستان مریم آینده ی خوبی را برای مریم پیش بینی می کنند.

ضمیر جدا

ضمیر پیوسته

ب: مریم دانش آموز پر تلاشی است، دوستانش آینده ی خوبی را برای او پیش بینی می کنند.

نکته ی مهم : ضمیر ها ی پیوسته به اسم می چسبند و شناسه ها به فعل می چسبند

انواع ضمیرها:

۱: ضمیر شخصی گسته (جدا)

۲: ضمیر پیوسته

۳: ضمیر مشترک

۴: ضمیر اشاره

ضمیرها دو نوع هستند.

۱- **ضمیر جدا**: ضمایری هستند که به طور مستقل به کار می روند.

مفرد	جمع
من	ما
تو	شما
او/وی	ایشان/آنها

اول شخص مفرد ←

دوم شخص مفرد ←

سوم شخص مفرد ←

اول شخص جمع →

دوم شخص جمع →

سوم شخص جمع →

۲- **ضمیر پیوسته**: همان طور که از اسمشان پیداست مستقل نیستند و به واژه های دیگر می چسبند.

مفرد	جمع
مَـ	مَـان
تَـ	تَـان
شَـ	شَـان

اول شخص مفرد ←

دوم شخص مفرد ←

سوم شخص مفرد ←

اول شخص جمع →

دوم شخص جمع →

سوم شخص جمع →

مثال:

- ۱: من کتابم را خواندم . ← من : ضمیر جدا م : ضمیر پیوسته
- ۲: تو کتابت را خواندی . ← تو : ضمیر جدا ت : ضمیر پیوسته
- ۳: او کتابش را خواند . ← او : ضمیر جدا ش : ضمیر پیوسته
- ۴: ما کتابمان را خواندیم . ← ما : ضمیر جدا مان : ضمیر پیوسته
- ۵: شما کتابتان را خواندید . ← شما : ضمیر جدا تان : ضمیر پیوسته
- ۶: آنها کتابشان را خواندند . ← آنها : ضمیر پیوسته شان : ضمیر پیوسته

مرجع ضمیر

کلمه ای که ضمیر به آن برمی گردد **مرجع ضمیر** نامیده می شود.

مرجع ضمیر در واقع، صاحب ضمیر است

مرجع ضمير

مثال :

۱: زهرا دختر خويی است او بسیار منظم است

او: ضمير جدا

چه کسی بسیار منظم است ؟ زهرا ← پس زهرا مرجع ضمير است.

مرجع ضمیر

مثال :

۲: معلم وارد کلاس شد و دفترش را روی میز گذاشت .

ش : ضمیر پیوسته

چه کسی دفترش را روی میز گذاشت ؟ معلم ← پس معلم مرجع ضمیر است

مرجع ضمیر

۳ **مریم** دانش آموز پر تلاشی است دوستانش آینده ی خوبی را برای **او** پیش بینی می کنند.

ش: ضمیر پیوسته او: ضمیر جدا

چه کسی دانش آموز پر تلاشی است؟ **مریم** ← **مریم**، مرجع ضمیر است.

۳: ضمیر مشترک: این ضمیر بر خلاف ضمایر قبلی، شخصی نیست، یعنی برای همه ی شخص ها به طور مشترک به کار می رود و شامل : «خود»، «خویش» و «خویشان» است؛

به این بیت شعر از ناصر خسرو دقت کنید :

چو تو خود کنی اختر خویش را بد مدار از فلک، چشم، نیک اختری را

۴: ضمیر اشاره: این ضمیر برای اشاره به انسان ، حیوان یا اشیا به کار می رود و عبارتند از: این، آن، همین همان، این ها، آن ها، همین ها، همان ها و ...



۱- معنی واژه‌های زیر را بنویسید.

ذوق ← شوق و علاقه ادیب ← سخندان، مفرد ادبا

استعداد ← توانایی، قابلیت مظاهر ← جمع مظهر، نشانه‌ها

۲- برای هریک از واژه‌های زیر دو هم‌خانواده بنویسید.

۱: اخلاص : خلوص، مخلص، خالص

اخلاص، قبول، حافظ، تمدن ۲: حافظ : حفظ، محفوظ، حفاظت

۳: قبول : مقبول، اقبال، قابل

۴: تمدن : متمدن، مدینه، مدنی، مدنیت



۳- ده کلمه مهمّ املائی از درس پیدا کنید و بنویسید.

۴- در جمله‌های زیر، ضمیرهای پیوسته و جدا را مشخص کنید.

ضمیر پیوسته سوم شخص مفرد ضمیر جدا اول شخص مفرد

— شهید رجایی به همراهانش گفت: من این نظم را از آقای بهشتی یاد گرفته‌ام.

ضمیر پیوسته سوم شخص مفرد ضمیر پیوسته سوم شخص مفرد

— مصطفی دست‌هایش را داخل جیبش فرو برد.

ضمیر جدا اول شخص جمع ضمیر پیوسته دوم شخص جمع

— ما همه مشتاقیم تا ترجمه‌تان را بخوانیم.

مرجع ضمیر

پیام و محتوای شعر: برای دستیابی به خوشبختی و رستگاری باید به دنبال دانش و دین بروی

قالب شعر: مثنوی

۱ تو را دانش و دین رهد دست قافیه رستگاری
در رستگاری بیادت جست قافیه
چو خواهی که یابی ز هر بد رها
بوی در دو کیتی ز بد رستگار
به گفتار پهنمبخت راه جوی
دل از تیرگی مابین آب شوی
۵ اگر چشم داری به دیگر سرای
برین زادم و هم برین بگذرم
سر اندر نیاری به دام بلا
نکو کار کردی بر کردگار
دل از تیرگی مابین آب شوی
به نزد نبی و وصی کیر جای
چنان دان که خاک پی حیدرم
شاهنامه، حکیم ابوالقاسم فردوسی

۱ ^{آزاد کند} تو را دانش و دین رهنم دست ^{سعادتمندی} در رستگاری بیاید جست

معنی بیت : علم و دانش و دین تو را از کار نادرست نجات می دهد
تو باید به دنبال نجات و رستگاری باشی .

چو خواهی که یابی ز هر بد را سر اندر نیاری به دام بلا

معنی بیت : اگر می خواهی که از هر بدی رهایی یابی و گرفتار
بلا و دام نشوی.

آرایه ی بیت : ۱: تضاد رها و دام ۲: دام بلا : تشبیه
۳: سر اندر نیاری به دام بلا : کنایه از گرفتار دام نشدن

نکو کار کردی ^{نزد خدا} بر کردگار ^{باشی} در دو کیتی ^{جهان، دنیا} ز بد رسگار ^{سعادتمند}

معنی بیت : واگر می خواهی در دنیا و آخرت سعادتمند شوی و از بدی ها دور باشی و نزد پروردگار، انسان نیک و سرافرازی باشی

ضمیر پیوسته دوم شخص مفرد

به گفتار پیغمبرت راه جوی

کنایه از اینکه دلت را از بدی ها پاک کن

دل از تیرگی مابین آب شوی

معنی بیت: فرموده های پیامبرت را سر لوحه ی زندگی قرار بده و
از آنها پیروی کن و غبار و تیرگی های دل خود را با راهنمایی
پیامبر از دلت پاک کن .

اگر چشم داری به دیگر سرای ^{خانه، منظور آخرت} به نزد نبی و وصی گیر جای

معنی بیت: اگر توقع داری که در جهان آخرت خوشبخت شوی، با پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) همراه شو و پیرو آنها باش.

وصی: لقب حضرت علی (ع) است (در شعر حکیم فردوسی) معنای این واژه در لغت به معنی سفارش شده و اندرز دهنده است.

آرایه ی بیت: چشم داشتن: کنایه از توقع داشتن

به دنیا آدمم با این اعتقاد هم می میرم
برین زادم و هم برین بگذرم
چنان دان که خاک پی حیدرم پا، دنبال

معنی بیت : من با اعتقاد به پیامبر و حضرت علی (ع) به دنیا آمده ام و با همین اعتقاد هم خواهم مرد . بدان که من خاک پای حضرت علی (ع) هستم (خدمتگزار او هستم و از او پیروی می کنم)

آرایه ی بیت : تکرار ((برین))

حکیم ابوالقاسم فردوسی:

در روستای باژ در منطقه ی قوس در **قرن ۵ و ۴** به
دنیا آمد اثر گرانقدر او **شاهنامه** است که ۲۵ یا ۳۰
سال برای سرودن آن زحمت کشید .

شاد و قندریست باشید
چهارراهی

درس سیزدهم فارسی
موضوع: اسوه نیکو

پایه: هفتم

متوسطه دوره اول

تهیه کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

استان: تهران

منطقه: ۴ تهران



درس سیزدهم

نمونه، الگو اسوه نیکو

فعل

نهاد

جهانیان
اسنادی

جمع ادب، رسوم

پیامبر گرامی اسلام، محمد بن عبدالله (ص)، در آداب و رفتار و اخلاق، اسوه عالمیان است.

مسند

متمم

آن چنان که خداوند مهربان در قرآن کریم می فرماید: «به درستی که رسول خدا برای شما، اسوه و نمونه

مترادف

مضارع

اخباری

نیکویی است». (سوره احزاب / آیه ۲۱)

مضارع اخباری

در این درس با برخی از ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری آن بزرگوار آشنا می‌شویم:

رسول اکرم، صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّم، با فرزندان خود به مهر و عظوفت رفتار می‌کرد و

مهر بانی، لطف

کنایه از علاقه می‌زیاد

مترادف

می‌فرمود: «فرزندان ما پارهٔ جلرما هستند». گاه، وقتی به سجده می‌رفت، حسن (ع) و حسین (ع)

ضمیر جدا، سوم شخص جمع

ضمیر جدا، سوم شخص مفرد

بر کردن و پشتش می‌سستند و او چندان در سجده می‌ماند تا آنان پایین بیایند و گاهی به آرامی آنان

ضمیر پیوسته، سوم شخص مفرد

در آغوش می‌گرفت

را پایین می‌آورد و از سجده بر می‌خاست و هر دو را در بر می‌گرفت و بر صورتشان بوسه می‌زد.

مهربانی، لطف مهربانی، لطف
رسول اکرم، صَلَّی اللہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ وَسَلَّمَ، با خدمت کارانش نیز رَأْفَت و عَطُوفَت داشت.
مترادف

انس پسر مالک ماضی استمراری
انس بن مالک می گفت: «در مدت ده سال که شبانه روز در خدمت و در خانه اش بودم،

سخن خشن و بد اخلاق
یک بار تند خویی و سخن درشت از او ندیدم و نشنیدم».

بد اخلاقی
چهره غمگین و متفکر داشت. هرگز به روی کسی
در میان جمع، کشاده رو بود و در تنهایی، سیمایی محزون و اندیشمند
خوش رو، بشاش

با دقت نگاه نمی کرد

به زمین نگاه می کرد

خیره نگاه نمی کرد و بیشتر اوقات، چشم هایش را به زمین می دوخت. در سلام کردن به همه، حتی به

انتخاب می کرد

زودتر سلام می کرد

کودکان، پیش دستی می کرد. هرگاه به مجلسی وارد می شد، نزدیک ترین جای خالی را اختیار می کرد.

قطع نمی کرد

اندازه ی لازم

به ملاقات مریض رفتن
از بیماران عیادت می کرد. سخن همنشین خود را نمی برید. بیش از حد لزوم، سخن نمی گفت و اجازه

به قاضی یا حاکم شکایت بردن

فحش، ناسزا

نمی داد کسی جز در مقام دادخواهی، در حضور او از دیگری بد بگوید و یا به کسی دشنام دهد.

جایگاه

آلوده نمی کرد
هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود. بد رفتاری با شخص خود را می بخشید ولی درباره کسانی که

محدوده ی قانون
به حریم قانون، تجاوز می کردند، گذشت و مدارا نداشت. سازش
از حد خود گذشتن

در زندگی از تجمل دوری می جست. در کارهای منزل به خانواده اش کمک می نمود و چون

خود را زینت دادن و آراستن
بانک اذان را می شنید، به نماز می رفت.

فریاد، آوا

سعدی، شاعر و نویسنده توانای زبان و ادب فارسی، در ستایش پیامبر بزرگوار اسلام،

سروده‌ای دارد که چند بیت آن را می‌خوانیم:

ماه بیانگر اوج زیبایی زیبایی نوعی درخت که راست قامت است
ماه، فرو ماند از جمال محمد (ص) سرو، نباشد به اعتدال محمد
میان‌ه روی

معنی بیت: ماه با آن همه زیبایی، از زیبایی حضرت محمد (ص)، حیران و متعجب است.
درخت سرو با آن راست قامتی، قامتش قابل مقایسه با پیامبر نیست.
آرایه‌ی بیت: ۱: تکرار (محمد (ص))

بیت دو جمله است / محمد و محمد ردیف / جمال و اعتدال قافیه

جمع ظل، به معنی سایه

لقب حضرت ابراهیم (ع) به معنای دوست

آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظلال محمد مراعات نظیر

معنی بیت: حضرت آدم، حضرت نوح، حضرت ابراهیم، حضرت موسی، حضرت عیسی (ع) در زیر سایه ی حضرت محمد (ص) جمع شده اند. (این بیت می تواند بیانگر سروری، برتری و فضیلت حضرت محمد (ص) بر دیگر پیامبران باشد و این بیت اشاره به خاتم الانبیا بودن پیامبر دارد.)
هم خانواده

سعدی، اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد، بس است و آل محمد خاندان

معنی بیت: ای سعدی اگر به دنبال عشق و نشاط جوانی هستی این را بدان که عشق حضرت محمد (ص) و خاندان ایشان برای تو کافی است.

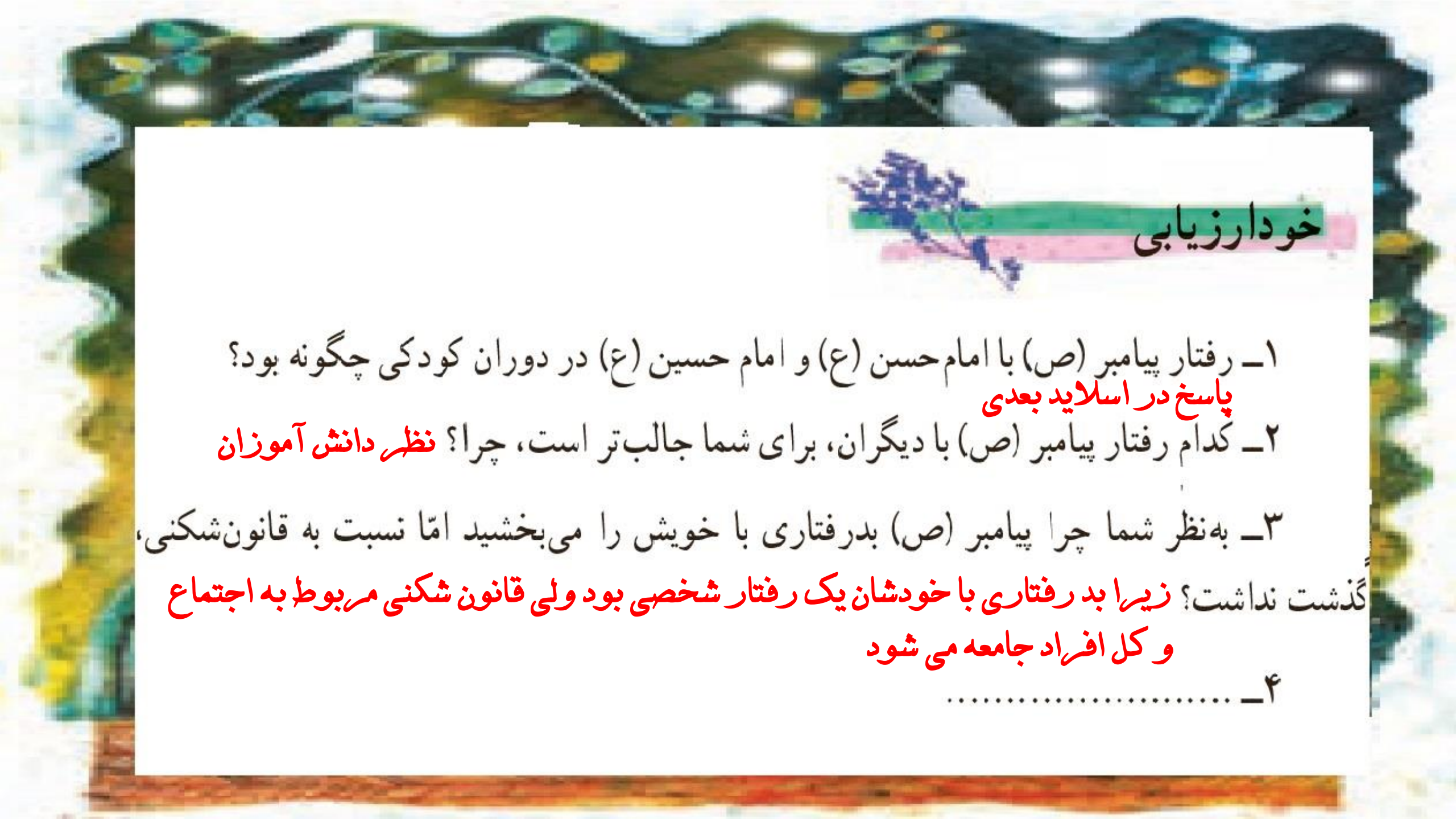
آرایه بیت: مراعات نظیر بین عاشقی، جوانی، عشق

کلیات سعدی، بخش مواعظ

سعدی:

مشرف الدین سعدی، آموزش مقدماتی را در شیراز یاد گرفت برای اتمام تحصیلات به سرزمین های مختلف رفت و پس از ۳۵ سال به شیراز برگشت.

بوستان (به شعر) و (گلستان نثر آمیخته به شعر) و دیوان اشعار از او برجای مانده است. مجموعه ی این آثار ((کلیات سعدی)) نامیده می شود.



خودارزیابی

۱- رفتار پیامبر (ص) با امام حسن (ع) و امام حسین (ع) در دوران کودکی چگونه بود؟

پاسخ در اسلاید بعدی

۲- کدام رفتار پیامبر (ص) با دیگران، برای شما جالب تر است، چرا؟ **نظر دانش آموزان**

۳- به نظر شما چرا پیامبر (ص) بد رفتاری با خویش را می بخشید اما نسبت به قانون شکنی،

گذشت نداشت؟ **زیرا بد رفتاری با خودشان یک رفتار شخصی بود ولی قانون شکنی مربوط به اجتماع**

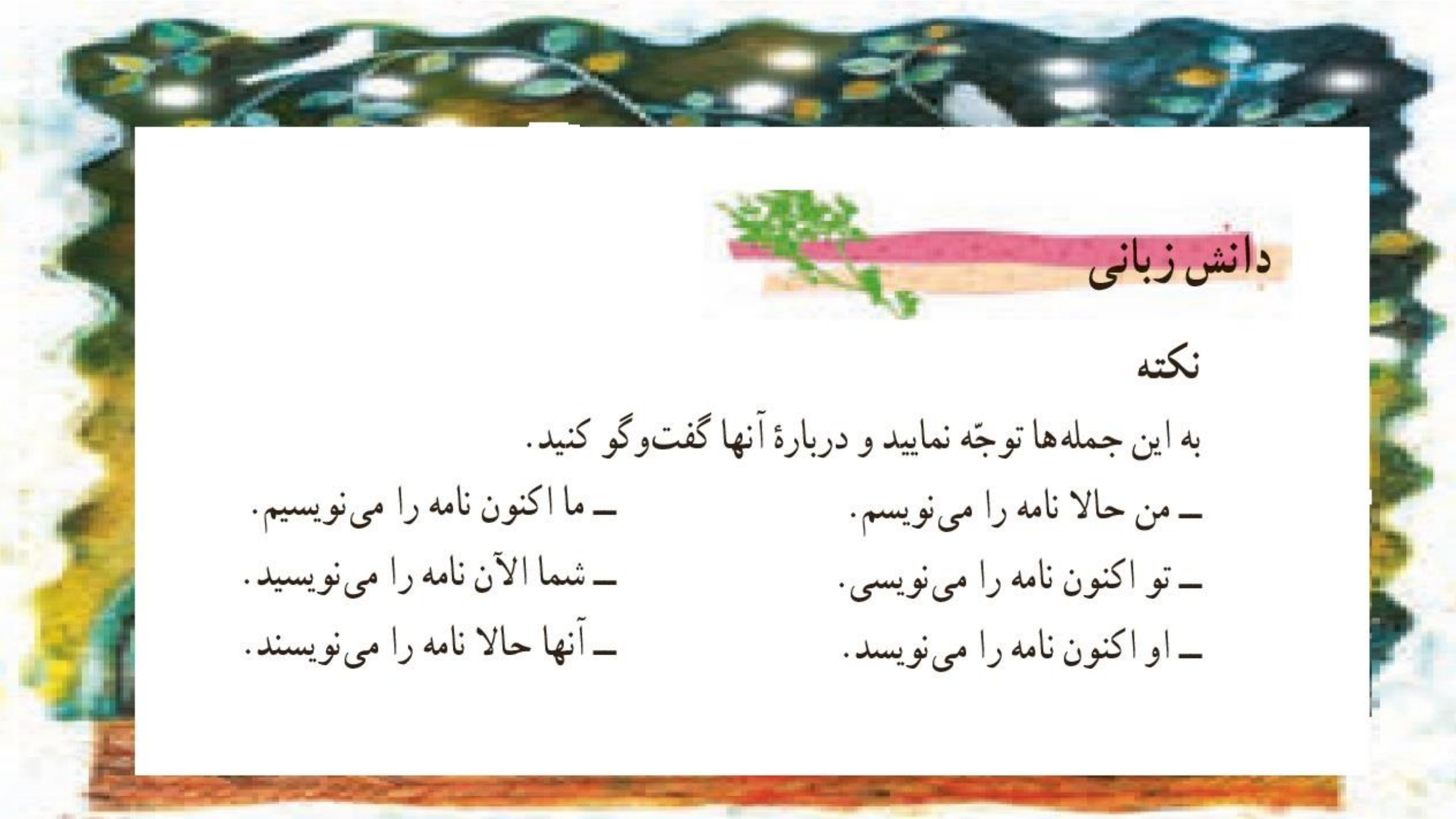
و کل افراد جامعه می شود

۴-

پاسخ سوال ۱ خودارزیابی

با فرزندان خود به عطاوفت رفتار می کرد و می فرمود ((فرزندان ما پاره ی جگر ما هستند))

گاه وقتی به سجده می رفت حسن (ع) و حسین (ع) بر گردن و پشتش می نشستند و او چندان در سجده می ماند تا آنان پایین بیایند و گاهی به آرامی آنان را پایین می آورد و از سجده بر می خاست و هر دو را در بر می گرفت و بر صورتشان بوسه می زد .



دانش زبانی

نکته

به این جمله ها توجه نمایید و درباره آنها گفت و گو کنید.

- من حالا نامه را می نویسم.
- تو اکنون نامه را می نویسی.
- او اکنون نامه را می نویسد.
- ما اکنون نامه را می نویسیم.
- شما الآن نامه را می نویسید.
- آنها حالا نامه را می نویسند.

چنان که می بینید جملات بالا مربوط به زمان حال یا مضارع است. هر فعل شش ساخت دارد.
به صورت های مختلف فعل، ساخت یا صیغه می گویند. به ساخت های زمان حال توجه کنید.

شش ساخت زمان حال	
مفرد	جمع
می نویسم	می نویسیم
می نویسی	می نویسید
می نویسند	می نویسند

همان طور که می بینید علاوه بر **بُن فعل** و شناسه، جزء «می» به ابتدای فعل، اضافه شده است.
بُن یا ریشه فعل، بخش ثابتی است که در همه ساخت ها، تکرار می شود.

نوشتن



۱- برای هریک از کلمه‌های زیر دو هم خانواده بنویسید. ۱: حضور: حاضر، محضر

۲) عطوفت: عاطفه، معطوف

۳) حریم: محرم، حرم، حرمت

حضور، عطوفت، حریم

۲- واژه صحیح را انتخاب کنید و در جای خالی بنویسید.

الف) گاهی به آرامی آنان را پایین می‌آورد و از سجده **برمی‌خاست** (برمی‌خواست، برمی‌خاست)

ب) اجازه نمی‌داد کسی جز در مقام **دادخواهی** در حضور او از دیگری بد بگوید. (دادخواهی، دادخواهی)

۳- بن مضارع فعل‌های زیر را مشخص کنید. ۱) می‌خوانم: خوان ۴) می‌شنوند: شنو

۲) می‌رویم: رو

۳) می‌پرسد: پرس

می‌خوانم، می‌رویم، می‌پرسد، می‌شنوند

حکایت

چراغ

کوزه

نابینایی در شب، چراغ به دست و سبوبردوش، بر راهی
می رفت.

یکی او را گفت: تو که چیزی نمی بینی چراغ به چه کارت
می آید؟

چراغ برای انسان های کور دل و کم فکر است تا به من تنه نزنند
گفت: چراغ از بهر کوردلان تاریک اندیش است تا به من
تنه نزنند و سبوی مرا نشکنند. **و کوزه ی مرا نشکنند**

بهارستان، جامی

جامی:

نورالدین عبدالرحمن جامی شاعر و نویسنده ی معروف ایرانی
در قرن نهم هجری است .
دیوان اشعار ، هفت اورنگ (شامل هفت مثنوی به تقلید خمسه ی
نظامی) ، تفحات الانس و بهارستان از آثار اوست

شاد و تندرست باشید

چهارراهی





درس چهاردهم فارسی
موضوع: امام خمینی (ره)

پایه: هفتم

متوسطی دوره ی اول

تهیه کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

استان: تهران

منطقه: ۴ تهران

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

راه، جهت

روزی که به دنیا آمد (مهرماه ۱۲۸۱ خورشیدی)، هیچ کس فکر نمی کرد که سال های بعد، مسیر

تاریخ ایران و اسلام را عوض خواهد کرد و میلیون ها انسان آزادی خواه و مظلوم جهان، نامش با هم، متحد را یک صد فریاد خواهند کشید.

آن روز، مثل همه روزهای دیگر بود؛ تنها تفاوتش این بود که صدها سال پیش از آن

در چنان روزی بزرگ ترین بانوی عالم، حضرت فاطمه زهرا - سلام خدا بر او باد - متولد شده بود.

امام خمینی (ره)

چند ماه از تولد روح الله نگذشته بود که صدای شلیک گلوله ای در کوهستان های میان

سر بلند

خمین و اراک پیچید. به دنبال آن، سواری سرفراز از پشت اسب بر خاک افتاد. آن سوار

کسی که تحت فرمان حاکم ستمگر کار می کند

کنایه از کشته شدن

پدرش، مصطفی بود که به دست مزدوران خان، ناجوانمردانه هدف گلوله قرار گرفت و از پا درآمد.

ارباب، بزرگ

روح الله بی آنکه خود بداند، در چند ماهگی، فرزند شهیدی دلایور شد. بدین گونه بود که این کودک

شجاع

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

بدون داشتن هیچ خاطره‌ای از پدر، بزرگ شد. وقتی به سن تحصیل رسید، او را در شهر خمین به ^{مصدر} مدرسه‌ی زمان قدیم مکتب‌خانه فرستادند. در هفت سالگی توانست قرآن را ^{کامل خواندن قرآن} ختم کند. وی تا نوزده سالگی در خمین درس خواند و برای ادامه تحصیل، حوزه علمیّه اراک را برگزید. در آنجا با استادی آشنا شد که مدتی بعد یکی از مهم‌ترین حوزه‌های علمیّه اسلامی را در قم تأسیس کرد. ^{انتخاب کرد} این عالم بزرگ، آیت‌الله عبدالکریم ^{بنیان نهادن، ایجاد کردن (هم)} خانوادۀ موسس، اساس حائری (ره) بود.

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

مترادف

امام از دوره نوجوانی و جوانی سعی می‌کرد در همه زمینه‌ها رشد و پیشرفت کند. مهربانی، سادگی،

مراعات نظیر

چهره

تواضع

ترکیب وصفی

فروتنی، خوش‌بیانی، نظم و دقت و سیمای جذاب از ویژگی‌های درخشان ایشان بود. در همان

دوران جوانی، صاحب خصوصیات اخلاقی و اعتقادی خاصی شد که سال‌ها بعد، تأثیر بسیار زیادی

بر دیگران گذاشت و دنیای اسلام را دگرگون کرد.

تغییر داد

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

جمع عالم

پس از درگذشت آیت الله العظمی بروجردی (ره)، در سال ۱۳۴۰، بسیاری از علماء و

رهبری، پیشوایی

روحانیان، ایشان را به مرجعیت انتخاب کردند.

ترکیب وصفی

امام خمینی، در سال ۱۳۴۱، مبارزه آشکار و سخت خود را با شاه و پیگانگان آغاز کرد و مردم

ایران که فریاد او را حرف دل خود می دانستند، با طرفداری و اطاعت از وی، مخالفت خود را با

امام خمینی (ره)

قیام، خیزش

حکومت پهلوی نشان دادند. حکومت شاه در پانزدهم خرداد ۱۳۴۲، آیت الله خمینی، رهبر نهضت

اسلامی ایران را دستگیر و زندانی کرد. مردم به نشانه اعتراض و حمایت از امام خمینی (ره) در

تعداد زیادی

بسیاری از شهرهای ایران، تظاهرات کردند و شمار فراوانی از آنها به دست مأموران شاه به

شهادت رسیدند. سرانجام حکومت پهلوی امام خمینی (ره) را از زندان آزاد کرد و در سیزدهم

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

دور کردن شخصی از شهرش

آبان ۱۳۴۲ نخست به کشور ترکیه و سپس به شهر نجف عراق، تبعید نمود. در سال ۱۳۵۶ فرزند

شیوه مشکوک

بزرگوار امام خمینی (ره)، حاج آقا مصطفی، در نجف به طرز مرموزی به شهادت رسید.

درس دادن

نوشتن

امام خمینی تا سال ۱۳۵۷ علاوه بر تدریس در حوزه علمیّه نجف و تألیف کتاب، پرچم مبارزه

بلند کرده

با ظلم و ستم شاه و کشورهای استعمارگر، به ویژه آمریکا را برافراشته نگاه داشت. حکومت عراق

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

به ناچار

سکونت، جایی ماندن

به درخواست شاه، اقامت امام خمینی را در آن کشور ممنوع کرد. امام خمینی نیز ناگزیر به پاریس

هم خانواده ی منع، مانع

رفت و از آنجا رهبری نهضت مردم ایران را که در آن زمان به یک انقلاب بزرگ تبدیل شده بود، بر عهده گرفت.

نیمه های پاییز سال ۱۳۵۷ بود. برخلاف همه پاییزها که کلاس های درس مدارس و دانشگاه ها

دست از کار کشیدن برای اعتراض

فعال بودند، در آن پاییز دانش آموزان و دانشجویان به فرمان امام اعتصاب کرده بودند و به

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

مراعات نظیر

مدرسه‌ها و دانشگاه‌ها نمی‌رفتند. دیگر نه میز و نیمکتی در کار بود و نه معلّی. همه به فرمان امام در کوچه‌ها

و خیابان‌ها تظاهرات می‌کردند و درس انقلاب را به بانک بلند صدای بلند به کوش جهانیان می‌رساندند. آن

مراعات نظیر

روزها ملت، یک آموزگار، یک معلّم و یک استاد داشت و او کسی جز امام خمینی (ره) نبود.

سراجام پس از آنکه هزاران زن و مرد مسلمان و انقلابی به شهادت رسیدند، انقلاب اسلامی

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

فرار کرد

ایران به پیروزی نزدیک شد. شاه در دی ماه همان سال از ایران گریخت و امام خمینی روز ۱۲

باعظمت

بهمن پس از ۱۵ سال دوری از وطن، با استقبال باشکوه مردم به میهن بازگشت. ده روز بعد در

۲۲ بهمن ۱۳۵۷، مردم ایران، انقلاب اسلامی خود را به رهبری امام خمینی به پیروزی رساندند.

سرنگون

نظام شاهنشاهی واژگون و جمهوری اسلامی ایران، پایه گذاری شد.

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

امام خمینی پس از پیروزی انقلاب بیش از ده سال، رهبری کشور را بر عهده داشت. در

زمان رهبری، خصوصیات دوران جوانی و میان سالی خویش را حفظ کرد و همچنان افتاده و فروتن ^{هم خانواده ی حافظ، محفوظ} ^{مترادف} ^{فروتن} بود.

همچگاه قدرت، او را از یاد خدا و محبت به مردم، غافل نساخت. مردم نیز او را از جان و

دل دوست می داشتند. او محبوب همه مسلمانان جهان و مایه افتخار مردم ایران بود. ^{دوستدار، هم خانواده ی حب، حبیب} ^{علت، سبب} ^{هم خانواده ی فخر، فاخر}

امام خمینی در این دوران در خانه ای ساده زندگی می کرد. سرانجام شب چهاردهم خرداد

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

۱۳۶۸ فرار سید؛ شبی غمبار و تلخ، شبی که محبوب ترین ^{دوست داشتنی} شخصیت جهان اسلام به خدا پیوست. امام رفت اما راه او به یادگار ماند.

^{آنچه از مرده باقی می ماند}

اکنون جمهوری اسلامی ایران که میراث کران بهای اوست، به دست همه مردم ایران به ویژه نوجوانان و جوانان سپرده شده تا از آن مانند جان خویش نگهبانی کنند.

^{با ارزش}

^{خلاصه}

کتاب «امام خمینی (ره)» ، نوشته امیر حسین فردی، با تلخیص



۱- چند ویژگی اخلاقی حضرت امام خمینی (ره) را در دوره نوجوانی و جوانی بیان کنید.

مهربانی ، سادگی ، فروتنی ، خوش بیانی ، نظم و دقت ، سیمای جذاب

۲- چرا در دوره انقلاب، همه ایران یک معلم داشت؟ زیرا همه ی مردم ایران دنبال یک هدف بودند

و آن مبارزه با ظلم و ستم و نظام شاهنشاهی بود آنها به دنبال درس انقلاب بودند و آن درس، معلمی جز امام خمینی (ره) نداشت.

۳- به نظر شما راز محبوبیت بنیان گذار جمهوری اسلامی چیست؟

عمل به توصیه های اسلام و قرآن ، معنویت ، فروتنی ، ساده زیستی ، همیشه به یاد

خدا بودن و ...

نکته

به این جمله‌ها توجه نمایید و درباره آنها گفت و گو کنید.

– من دیروز نامه را نوشتم.

– تو دیروز نامه را نوشتی.

– او دیروز نامه را نوشت.

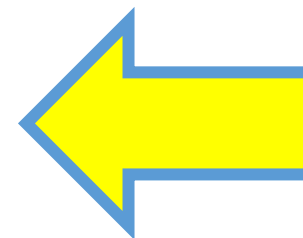
– ما دیروز نامه را نوشتیم.

– شما دیروز نامه را نوشتید.

– آنها دیروز نامه را نوشتند.

چنان که می بینید زمان فعل های جملات بالا، گذشته یا ماضی است. هر فعل صورت های مختلفی دارد که از روی آن شخص و شمار و زمان فعل را می توان دریافت.

شش ساخت زمان گذشته	
مفرد	جمع
نو شتم	نو شتیم
نو شتی	نو شتید
نوشت	نوشتند



اگر با دقت به شش ساخت زمان گذشته نگاه کنید، متوجه می شوید در همه آنها جزء «نوشت» ثابت است؛ به این جزء، «**بُن فعل**» زمان گذشته می گویند.

جزئی که به بن فعل اضافه شده است، شخص و شمار فعل را نشان می دهد. به این جزء «**شناسه**» می گویند.

یادآوری: به کلمه هایی مانند: نشستن، رفتن، دیدن، خوردن و ... «**مصدر**» می گویند. چنانچه حرف «ن» را از آخر این کلمه ها حذف کنیم، بن ماضی به دست می آید.



۱- برای هریک از واژه‌های زیر، دو هم خانواده بنویسید.

مظلوم : **ظلم ، ظالم ، مظلومیت**
جذاب : **مجنوب ، جذب ، جاذب ، جاذبه**

قدرت : **مقتدر ، اقتدار ، قادر**
محبوب : **حبیب ، محبت ، محب ، حب**

۲- با حرف‌های درهم ریخته زیر، حداقل چهار کلمه بنویسید.

(ت، ی، د، ب، ع، ا)

عبادت ، عابد

ب :

ابدی ، ابدیت

د :

تبعید

الف :

بعید

ج :

۳- بن ماضی فعل‌های زیر را بنویسید.

رسیدند : رسید	گرفتی : گرفت
گریختند : گریخت	گذشتیم : گذشت

رسیدند، گرفتی، گریختید، گذشتیم



شاد و قندریست باشید

چهارراهی

درس شانزدهم فارسی
موضوع: آدم آهنی و شایرک
پایه: هفتم

متوسطی دوره ی اول
تهیه کننده: زهرا چهارراهی
دیرستان: ۱۵ خرداد

استان: تهران

منطقه: ۴ تهران



مفعول مفعول مضاف الیه
نهاد متمم برقری مفعول
خدا آن ملتی را سروری داد که تقدیرش به دست خویش بنوشت

معنی بیت : خداوند به ملت و مردمی بزرگی و برقری می دهد که
 خودشان ، سرنوشت خودشان را مشخص کنند . و به کسی اجازه ی
 دخالت ندهند .

اقبال لاہوری

محمد اقبال یا علامہ اقبال شاعر، فیلسوف، سیاست مدار و مفکر مسلمان پاکستانی بود که

اشعار زیادی به فارسی و اردو سروده است.

اقبال نخستین کسی بود که ایده ی یک کشور مستقل را برای مسلمانان هند مطرح کرد.

او می خواست تمام مردم جهان با هم متحد باشند.

آدم آهنی و شاپرک

موضوع و محتوای درس : تاثیر محبت و مهر ورزی و تاثیر هم نشین در

تغییر نگرش و شیوه ی زندگی

نثر درس : ساده و روان

نویسنده ی داستان : ویتا توژیلینسکای

مترجم : ناهید آزادمنش

آدم آهنی (تروم) : نماد انسان های بی عاطفه و بی احساس

شاپرک : نماد انسان های مهربان و با عاطفه





داستان رمزی و نمادین است در این نوع داستان ها
نویسنده با استفاده از تخیل و آوردن شخصیت های
بر انسانی ، ذهن ما را وامی دارد تا شبیه آن ها را
در جامعه و اطراف خود پیدا کنیم .

واژه های مهم درس :

۱: موزی: آزار دهنده ، نیرنگ کار

۹: نجوا: صدای آرام، آوا

۲: غرش: صدای بلند

۱۰: انبوه: بسیار زیاد

۳: ملافه: روانداز

۱۱: زمزمه: نغمه، آرام زیر لب خواندن

۴: تحسین: آفرین گفتن

۱۳: خوب از آب در نیامدن: کنایه از پایان

۵: سرشناس: معروف

خوبی نداشتن.

۶: ملاقات: دیدار

۱۴: خیره می شدند: با دقت نگاه می کردند

۷: التماس: خواهش

۱۵: اوقات: جمع وقت، زمان ها

۸: رایحه: بوی خوش

۱۶: با شتاب: با عجله



★ برخی از نکته های ادبی درس :

۱: آدم آهنی با صدای خشن و خرخر مانند گفت ← واج آرای (خ)

۲: خوب از آب درآمدن ← کنایه از خوب شدن نتیجه ی کار

۳: دل آدم آهنی گرفت ← کنایه از ناراحت و غمگین شدن

۴: او دنبال من است ! تروم، او دنبال من است. ← آرایه ی تکرار

۵: بدنش می لرزید. ← کنایه از ترسیدن

۶: بال بالی مثل فرفره به دور خود می چرخید. ← آرایه ی تشبیه

۷: زیر آن ملافه ی سفید که درست مثل کفن بود. ← آرایه ی تشبیه

۸: باد در گلو انداخت. ← کنایه از مغرور شدن



داستان آدم آهنی و شاپرک

نویسنده ی داستان : خانم ویتا توژیلینسکای (۱۹۳۲ میلادی)

آدم آهنی و شاپرک برگرفته از کتاب ((ملخ شجاع)) است که مجموعه ی چهار داستان به نام های ملخ شجاع، دانه ی برفی که آب نشد، کرم کنجکاو و آدم آهنی است .

حشرات کوچک، کرم ها و پروانه ها، قهرمان بسیار از قصه های وی هستند خانم ژیلینسای شعر هم سروده است و داستان های فکاهی، رمان و نمایش نامه نیز دارد .



خودارزیابی

۱- چرا آدم آهنی از شاپرک خوشش آمد؟

زیرا آدم آهنی را گرم عزیز صدا کرد و هیچ کس او را با این نام صدا نکرده بود.

۲- چرا آدم آهنی پس از مرگ شاپرک به سوالات جواب درست نمی داد؟

زیرا از مرگ شاپرک ناراحت شده بود و از اینکه نتوانسته بود به او کمک کند ناراحت بود.

۳- آخرین جمله درس، چه پیامی دارد؟

شاپرک با محبت و مهربانی در وجود آدم آهنی حس و عاطفه ایجاد کرده بود. محبت

توانایی تغییر همه، حتی آدم آهنی را دارد.

.....۴



← نحوی ساخت فعل آینده : خواه + شناسه های مضارع + بن فعل ماضی

دانش های زبانی و ادبی

نکته اول

به این جمله ها توجه نمایید و درباره آنها گفت و گو کنید.

- من فردا نامه را خواهم نوشت.
- تو فردا نامه را خواهی نوشت.
- او فردا نامه را خواهد نوشت.
- ما فردا نامه را خواهیم نوشت.
- شما فردا نامه را خواهید نوشت.
- آنها فردا نامه را خواهند نوشت.

چنان که می بینید جملات بالا مربوط به **زمان آینده** یا **مُستقبل** است. به شش ساخت زمان آینده

توجه کنید.

شش ساخت زمان آینده	
مفرد	جمع
خواهم نوشت	خواهیم نوشت
خواهی نوشت	خواهید نوشت
خواهد نوشت	خواهند نوشت



آیا می توانید بن فعل و شناسه فعل آینده را بگویید؟ **فعل آینده، بن فعل آن بن ماضی است و شناسه های مضارع را می گیرد**



آدم آهنی : نماد انسان‌های بی‌عاطفه و بی‌احساس

شاپرک : نماد انسان‌های مهربان و باعاطفه

نکته دوم

در داستانی که خواندیم، شخصیت‌های اصلی، آدم آهنی و شاپرک بودند. آیا مقصود نویسنده داستان از آدم آهنی فقط همان آدم آهنی نمایشگاه بوده و مقصود از شاپرک همان شاپرکی که بر درخت بلوط لانه داشته است؟

در داستان، دریافتید که آدم آهنی، ابتدا احساس نداشت. تنها همان چیزهایی را می‌گفت که از قبل برای او برنامه‌ریزی شده بود. مشابه آدم آهنی، آدم‌هایی را می‌شناسیم که احساس و عاطفه ندارند و مثل آدم آهنی رفتار می‌کنند.

در همین داستان، شاپرک، مهربان است و با عاطفه، آدم آهنی را «تروم عزیز» خطاب می‌کند. او را دوست دارد و نوازش می‌کند. مثل شاپرک، انسان‌های مهربانی در اطراف ما هستند.

داستان‌نویسان، با استفاده از تخیل و آوردن شخصیت‌های غیر انسان، ذهن ما را وامی‌دارند تا شبیه آنها را در جامعه و اطراف خود پیدا کنیم.

این‌گونه داستان‌ها را «داستان‌های رمزی و نمادین» می‌گویند.





۱- ترکیب‌های وصفی و اضافی را مشخص کنید.

۱: ترکیب اضافی: درخت بلوط، مربای زردالو، اسم من

درخت بلوط، احساس خوب، افراد سرشناس، صدای بلند، مربای زردالو، اسم من

۲: ترکیب وصفی: احساس خوب، افراد سرشناس، صدای بلند

۲- برای هر کلمه، یک هم‌خانواده بنویسید.

۱: مطمئن: اطمینان

مطمئن، سؤال، قصه، توجه ۲: سوال: مساله

۳: قصه: قصص

۴: توجه: متوجه





۳- در جمله‌های زیر نهاد، مفعول و متمم را معین کنید.

— شناسنامه ما، عمر حقیقی ما را تعیین نمی‌کند.

۱) نهاد: شناسنامه ما ۲) مفعول: عمر حقیقی ما

— فرصت‌های خوب و عزیز می‌گذرند.

۱) نهاد: فرصت‌های خوب و عزیز ۲) فعل: می‌گذرند

— دانش‌آموزان شهید رجایی را دوست داشتند.

۱) نهاد: دانش‌آموزان ۲) مفعول: شهید رجایی

— آفتاب برگل‌ها و سبزه‌ها می‌تابد.

۱) نهاد: آفتاب ۲) متمم: گل‌ها و سبزه‌ها ۲) فعل: می‌تابد

۴- فعل‌های «ایستادند، می‌آید، پرسیدند، گفت» را به فعل آینده تبدیل کنید.

خواهند ایستاد، خواهد آمد، خواهند پرسید، خواهد گفت





شاد و تندرست باشید

همارای

درس هفدهم فارسی
موضوع: مامی توانیم
پایه: هفتم
متوسطی دوره ی اول
تهیه کننده: زهرا چهارراهی
دیرستان: ۱۵ خرداد
استان: تهران
منطقه: ۴ تهران

ای نام تو بهترین سرآغاز



معنای واژگان درس ۱۷

۱: تسهیلات: امکانات، تجهیزات

۲: اوراق: جمع ورقه

۳: ساحت: فشاری

۴: وادار کنم: مجبور کنم

۵: حداقل: دست کم

۶: بلافاصله: فوراً

معنای واژگان درس ۱۷

۷: ابدی: همیشگی، جاودانی

۸: قرین: همراه (قرین رحمت: همراه با لطف و مهربانی)

۹: عنایت: بخشایش، لطف، توجه، احسان

۱۰: در ذهن آنها نقش می‌بست: همیشه در ذهنشان می‌ماند.

۱۱: ترحیم: طلب آمرزش و مغفرت برای مرده، درود فرستادن بر مرده (مجلس ترحیم: مجلس ختم)

۱۲: بر گزار کردن: برپا کردن

معنای واژگان درس ۱۷

۱۳: اعلامیه: خبر یا مطلبی که به صورت کتبی یا شفاهی به اطلاع دیگران برسد.
۱۴: تدفین: خاکسپاری

((مامی توانیم))، نوشته‌ی کلک مورمان، از مجموعه داستان ((نغمه‌ی عشق))

A group of children are sitting on the floor in a classroom, engaged in an activity. They are holding papers and looking at them. The background is a blurred image of the same children.

خودارزیابی

۱- دانش آموزان چه جمله هایی روی برگه های خود می نوشتند؟

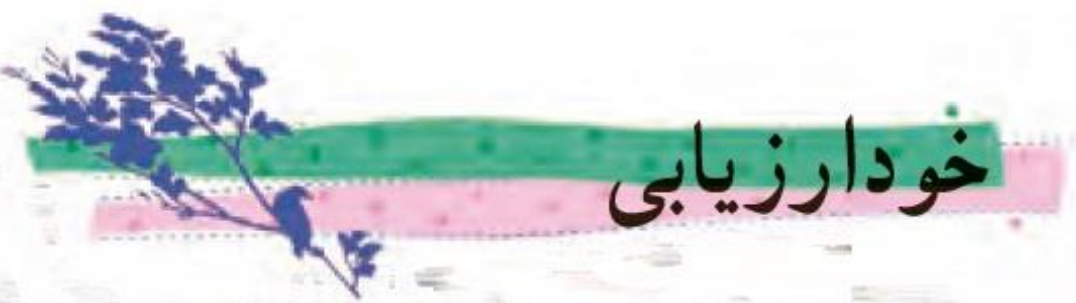
کارهایی که نمی توانستند یا فکر می کردند نمی توانند انجام دهند.



خودارزیابی

۲- چرا دونا از دانش آموزان خواسته بود که «نمی توانم» های خود را بنویسند؟

زیرا می خواست به دانش آموزان یاد بدهد که باید نمی توانیم ها را دفن کنند و
باور داشته باشند که هر کاری اراده کنند می توانند انجام دهند.



خودارزیابی

۳- منظور بازرس از جمله «فهمیدم که این شاگردان هرگز چنین روزی را فراموش نخواهند

کرد» چیست؟

اولا : درسی که به صورت عملی یاد گرفته شود هیچگاه فراموش نمی شود.

دوما : هر وقت در کاری بخواهند بگویند ((نمی توانم)) ، یاد مراسم تدفین

نمی توانم می افتند .

خودارزیابی

۴-.....

نکتهٔ اوّل

به کلمه‌های زیر توجه کنید.

الف) صیاد، کلاغ، شتاب، آسیب

ب) بیمناک، کتابخانه، گل‌فروشی

کلمات بخش الف و ب چه تفاوتی با هم دارند؟ با کمی دقت درمی‌یابیم که کلمات بخش «ب» از دو یا چند قسمت ساخته شده‌اند؛ مثلاً:

بیمناک : بیم + ناک

کتابخانه : کتاب + خانه

گل‌فروشی : گل + فروش + ی

ولی واژه‌های بخش الف چنین نیستند و تنها یک قسمت دارند : صیاد، کلاغ و ... به واژه‌های

بخش الف «**ساده**» و به واژه‌های بخش ب «**غیرساده**» می‌گویند. واژه‌های ساده فقط یک جزء دارند و

واژه‌های غیرساده، بیش از یک جزء دارند.

۱: واژه های ساده

الف: وندی

ب: مرکب

ج: وندی مرکب

۲: واژه های غیر ساده

ساختمان واژه

ساختمان واژه

۱: واژه های ساده: کلمه هایی که از یک بخش، ساخته شده اند و معنی مستقل و روشنی دارند و نمی توان آنها را به اجزایی، بخش کرد. این کلمه ها را از نظر ساخت « ساده » می نامند.

مثال: گل، آب، تیر، دبیر، قبیله، رستم (الان واژه ی تاریخی است)، شنبه و ...

ساختمان واژه

۲: واژه های غیر ساده : هر واژه ای که قابل تجزیه
و جداسازی باشد.

مثال: گلخانه، شجاع ترین، دبیرستان، گلزار،
دانش، کبوترها، گوسفندان و ...

انواع واژه های غیر ساده

الف: واژه های "وندی": واژه هایی که از یک بخش معنادار و یک جزء وندی (پیشوند و پسوند) تشکیل شده اند را «وندی» می گویند.

مثال: گلدان، دسته، کوشش، زیبا، خندان، گوینده، هنرور، دانشگاه، تلفن چی، پنجم، صدگان، شاخسار، خوراک، دریاچه، آهنین، دبیرستان، زفانه، بی ادب و...

ب: واژه های مرکب: کلمه هایی هستند که از دو یا چند بخش مستقل و معنا دار ساخته شده اند .

مثال : آب انبار ، گلبرگ ، دبیرخانه ، آبراه ، نیک بخت ،
، آب دوغ خیار ، گلخانه ، هواپیما ، راه آهن و ...

ج: واژه های **وندی مرکب**: کلمه هایی هستند که از دو یا چند بخش مستقل و معنا دار + یک یا چند وند ساخته شده اند .

مثال: دانش آموز = دان + ش (وند) + آموز

نوجوانی = نو + جوان + ی (وند)

شیر مردان = شیر + مرد + ان (وند)

نکته

نکته ی ۱: مصدر ها همه وندی هستند مانند : رفتن ، گفتن و

نکته ی ۲: بن ماضی و بن مضارع همیشه یک جزء معنادار محسوب می شوند .

مثال : روش = رو (بن مضارع) + ش

گفتار = گفت (بن ماضی) + ار

نکته دوم

درس‌هایی که در این فصل خواندید، از ادبیات کشورهای دیگر هستند که به زبان فارسی **ترجمه** شده‌اند. شما با ترجمه از سال‌های گذشته آشنا شده‌اید؛ مثلاً آیات قرآن یا احادیث را با ترجمه فارسی خوانده‌اید. به کسی که ترجمه می‌کند، **مترجم** می‌گویند. مترجم باید با دو زبان، یعنی زبانی که از آن ترجمه می‌کند و زبانی که به آن ترجمه می‌شود، کاملاً آشنا و مسلط باشد.

مترجمان هنگام ترجمه، از منابعی مانند فرهنگ لغت، دائرةالمعارف، فرهنگ‌نامه، شبکه‌های اطلاع‌رسانی معتبر و... استفاده می‌کنند. آیا می‌توانید جمله‌های زیر را با استفاده از فرهنگ لغت ترجمه کنید؟

عربی: «إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ» امام علی (ع)

انگلیسی: This story is the last lesson. What is your idea about it?

– کلماتی همچون «بلیت، اتو، توس، اتاق، قورباغه، ...» واژه‌هایی هستند که گاهی به صورت «بلیط، اطو، طوس، اطاق، غورباغه و ...» نیز نوشته می‌شوند، اما شکل اول مناسب‌تر است.

– در شکل نوشتاری کلماتی همچون «خواهر، خوش، خواستن، خواهش و ...» حرفی وجود دارد که خوانده نمی‌شود. به خاطر سپردن شکل املائی آنها از نکات مهم املائی است.

۱- واژه‌های ساده و غیرساده را مشخص کنید و در جدول بنویسید.
روز، دست، ورقه، خاکی، سخنرانی، نمادین، شاگرد، کاغذ، گوش، تخته

روز- دست- شاگرد- کاغذ- گوش	کلمه ساده
ورقه- خاکی- سخنرانی- نمادین- تخته	کلمه غیرساده

۲- ده کلمه مهم املائی از پنج درس گذشته، انتخاب کنید و بنویسید.

تسهیلات، عرش- تحسین- سیاهی جذاب- اعلامیه- مزدوران- قرین

اعصاب- استعمارگر- اسوه- عطوفت- محزون- ظلال- ترحیم- عنایت

۳- برای هر یک از کلمه‌های زیر، دو هم خانواده بنویسید.

وسط ← **اواسط - واسطه - وساطت**

اطاعت ← **مطیع - طوع - مطاع**

رحمت ← **رحیم - رحمان - مرحمت**

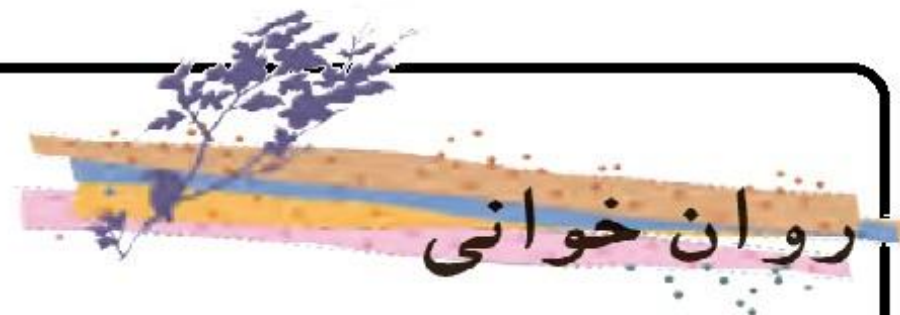
اعلامیه ← **اعلام - علام**

نوشتن

۴- جدول زیر را حل کنید.

۹ ↓	س		۱۲ ↓	ک		۱۰ ↓	ن		۳ ↓	ک	و	ب	۱ ↓	ک
ر			ا			ه			۲ ←	ا				ل
ز			ج	ی	و	ش	ی	۱۱ ←	م					ی
ن														ک
ش	ه	ا	و	خ	۷ ↓	۸ ←	ی	۵ ↓	ن	ا	م	ر	ک	۴ ←
				ب			ک							
				ر			ک							
				ی			ا	۶ ←	م	ر				

- ۱- اصطلاحی در رایانه و نام کوچک نویسنده آخرین درس کتاب
- ۲- نام یکی از کشورهای امریکایی
- ۳- مادر در عربی
- ۴- اهل کرمان
- ۵- همان «أَحَد» است.
- ۶- از انواع جمله
- ۷- این نوع جمله، خبری را می‌رساند.
- ۸- تمنا، درخواست
- ۹- به معنای نکوهش است.
- ۱۰- منفی فعل امر
- ۱۱- واژه‌ای که با نام «نیما» پدر شعر نو فارسی می‌آید.
- ۱۲- درخت همیشه سبز



۱: نصیحت: پند و اندرز

۲: پیشکش: هدیه

۳: غلّه: گندم

۴: لغو: باطل، یسوده

۵: انعام: پاداش، دستمزد

۶: وعدگاہ: محل قرار

۷: شاعه: دروغ

۸: رویارویی: مواجه شدن

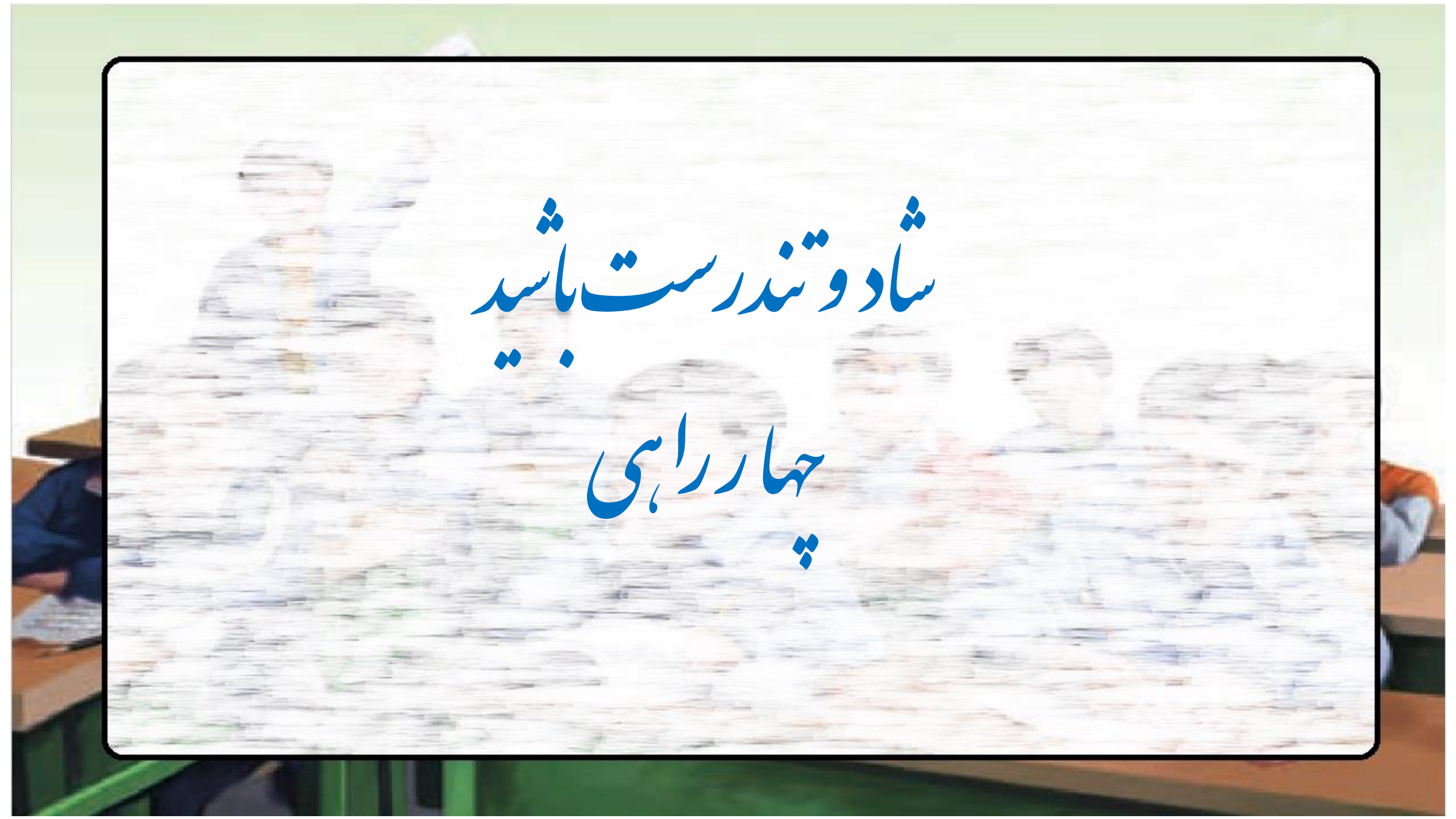
۹: مغرور: خودپسند

پیرِ دانا



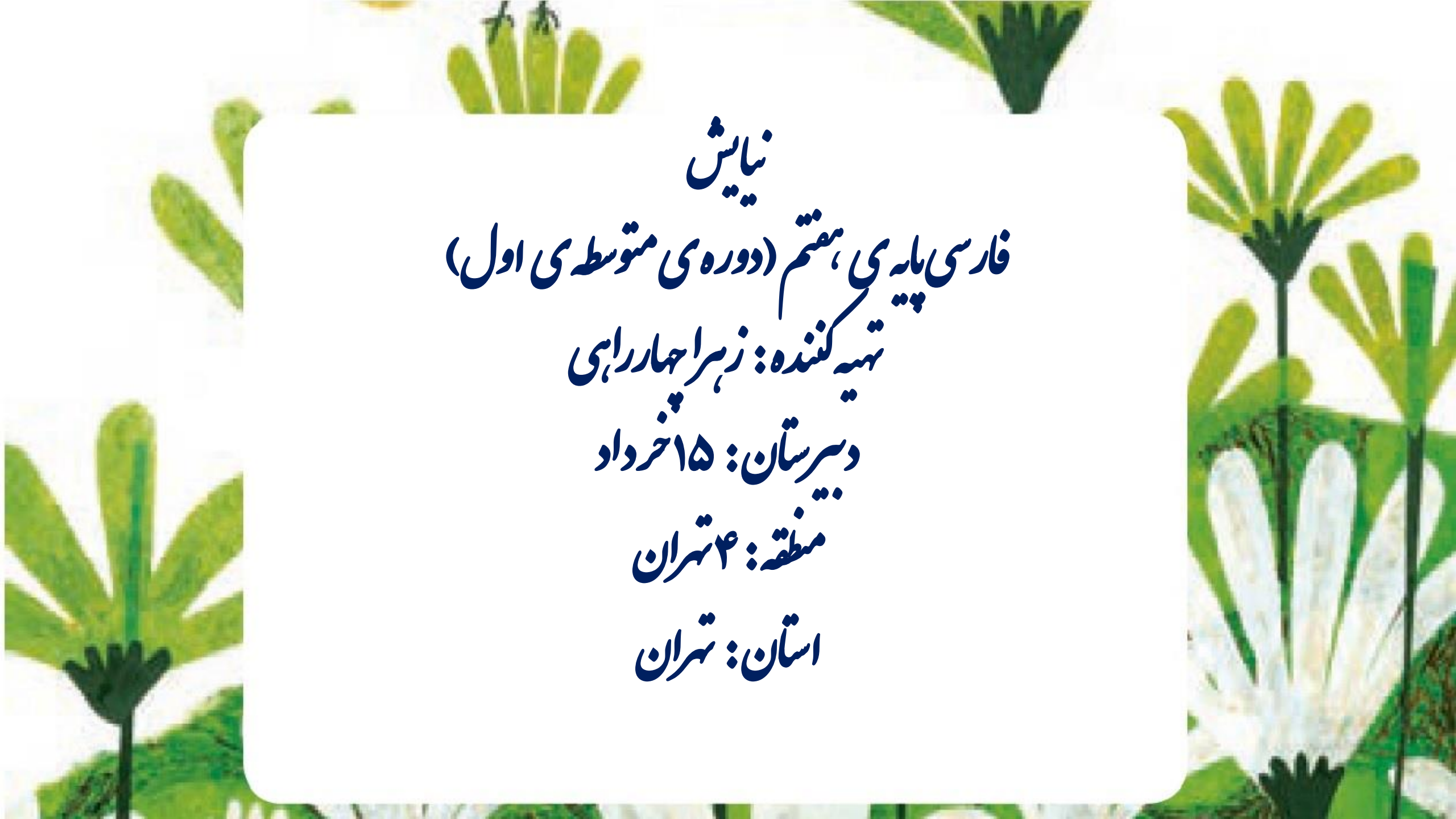
دک و دریافت

- ۱: به نظر شما، راز پیروزی های پسر روان، چه بود؟ مشورت کردن و استفاده از تجربه ی پدر پیرش
- ۲: چگونه رفتار کنیم که مورد احترام دیگران باشیم؟ عاقلانه زندگی کنیم و با دیگران به احترام رفتار کنیم.



شاد و تندرست باشید

چهارراهی



نیایش

فارسی پایه ی، هفتم (دوره ی متوسطه ی اول)

تهیه کننده: زهرا چهارراهی

دیرستان: ۱۵ خرداد

منطقه: ۴ تهران

استان: تهران

The background features a repeating pattern of stylized green plants with fan-like leaves and white flowers with multiple petals. The plants are rendered in various shades of green, and the flowers are white with some yellow centers. The overall style is clean and modern.

به نام خداوند جان و خرد

قافیه

که احوال بَدَم را نیک گردان
چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم
روانی ده که دیدار تو جوید
به معنی، شمع جانم بر فروزان
که گر دستم نگیری، رفتم از دست
به راه آور مرا، کافتادم از راه
تو را دانم به هر چیزی که دانم

گل و نوروز، خواجوی کرمانی

قافیه

خداوندا، به حقّ نیک مردان
مکن ما را از این درگاه، محروم
زبانی ده که اسرار تو گوید
دلم در آتش غفلت مسوزان
کنون، گردست گیری، جای آن هست
مکن دورم ز نزدیکان درگاه
تو را خوانم به هر رازی که خوانم

منادا

حرف ندا

(قسمت می دهم)

خداوندا، به حق نیک مردان
ترکیب وصفی

م: مضاف الیه

که احوال بَدَم را نیک گردان
مفعول مسند

(۳ جمله)

معنی بیت: خدایا تو را به آبروی انسان های خوب قسم می دهم که احوال بد مرا خوب کن.

آرایه های بیت: ۱: تضاد: بد و نیک

(۲ جمله)

مکن ما را از این درگاه، محروم
مفعول متمم مسند
چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم
مفعول متمم سرزمین دور نکن

معنی بیت: خداوندا! ما را از پیشگاه و درگاهت محروم نکن. و مانند گنجشکان
ما را از درگاهت دور نکن.

آرایه های بیت: ۱: تشبیه: مانند گنجشکان
۲: راندن: کنایه از بی توجهی کردن

جمع سر، رازها

زبانِ ده که اسرار تو گوید
مفعول

روح، جان

روانِ ده که دیدار تو جوید
مفعول

(۴جمله)

معنی بیت : زبانی را به من بده تا رازهای تو را بیان کند و روح و روانی بده که مشتاق دیدن تو باشد و توان درک تو را داشته باشد .

آرایه ی بیت : ۱: تکرار : ده، تو، که

م: مضاف الیه

دلم در آتش غفلت مسوزان
مفعول اضافه ی تشبیهی - متمم

م: مضاف الیه

(۲ جمله)
روشن کن

به معنی، شمع جانم برفروزان
اضافه ی تشبیهی - مفعول

معنی بیت: خدایا! دل من را از گمراهی و غفلت رها کن. و جان مرا
با نور حقیقت روشن کن.

آرایه ی بیت: ۱: اضافه ی تشبیهی (آتش غفلت) و (شمع جانم)
۲: مراعات نظیر (آتش، مسوزان، شمع، برفروزان)

(۴جمله)

کنون، گردست گیری، جای آن هست که گر دستم نگیری، رفتم از دست

معنی بیت : اکنون اگر یاری ام کنی شایسته و سزاوار است اگر مرا کمک
نکنی گمراه و نابود می شوم .

آرایه های بیت : ۱: دست گیری کنایه از کمک کردن

۲: از دست رفتن کنایه از نابود شدن

۳: تکرار واژه ی دست

۴: تضاد بین گیری و نگیری

م: مفعول

مکن دورم ز نزدیکان درگاه
مسند متمم

به راه آور مرا، کافتادم از راه
مفعول متمم

معنی بیت: من را از نزدیکان درگاهت (انسان های نیکوکار و خداشناس) دور
نکن. من را به راه راست هدایت کن که گمراه شده ام.

آرایه های بیت: ۱: تضاد: دور و نزدیک

۲: از راه افتادن کنایه از گمراه شدن

۳: تکرار "راه"

(۴ جمله)

تو را دانم به هر چیزی که دانم
مفعول متمم

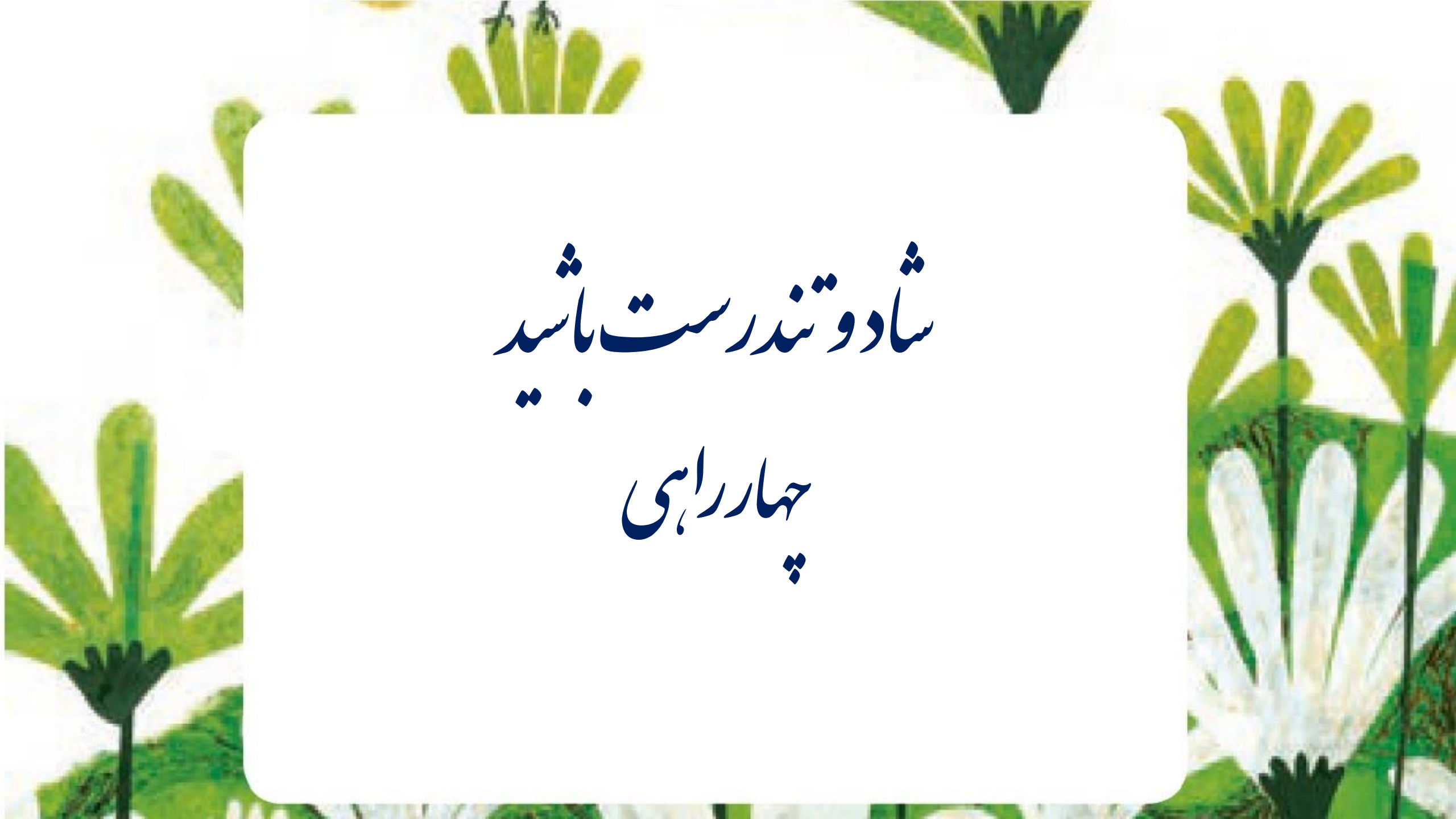
تو را خوانم به هر رازی که خوانم
مفعول متمم

معنی بیت: خدایا! در هر راز و رمزی تو را می بینم و تو را می خوانم
و هر چیزی که می دانم از تو می دانم.

آرایه ی بیت: ۱: تکرار "خوانم" و "دانم"

خواجوی کرمانی (۷۵۳-۶۸۹ هجری قمری)

کمال الدین محمود معروف به خواجوی کرمانی، از شاعران معروف قرن هفتم و هشتم هجری است.
از آثار او می توان به کمال نامه ، کوهر نامه و گل و نوروز اشاره کرد.



شاد و تندرست باشید

چهارراهی